



دکتر هاشم رجبزاده

سخن فصل

هیگان

۱۵۶

اعتدال بهاری یا «بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار» که نوروز ما ایرانیانست، در ژاپن موسم «هیگان» یا زیارت اهل قبور است. ژاپنی‌ها آغاز بهار و نیز اعتدال پاییزی (آغاز مهرماه) را جشن می‌گیرند و تعطیل دارند. «هیگان» یک هفته است، از اواخر اسفند تا اوایل فروردین ماه، و اوج آن روز ۱ فروردین و آغاز بهار. در این روز مردم به زیارت خاک نیاگان درگذشته می‌روند، سنگ گور آنان را با آب می‌شویند، و سر خاک رفتگان گل می‌گذارند و عود می‌سوزانند.

«هیگان» در لغت به معنی «کرانه دور دست رودخانه» یا «آنسوی دریا» است، و در اندیشه بودایی اشاره به بهشت دارد که منزلگاه ابدی قدیسان و آمرزیدگان است. این دنیای خاکی که منزلگه چند روزه ما است، یا به تعبیر بودایی «این سوی رودخانه»، پُر از پلیدیها است. چگونه می‌توان به «آنسوی رود» رسید؟ بودا می‌گوید که انسان باید از پنج میل یا شهوت خود بکاهد و بَرَهَد تا ازین رود که محک «روز حساب» است بگذرد و به ساحل رستگاری برسد. این پنج چیز که انسان را بد راه و تباہ می‌کند، میل به مال، شهوت تن، طلب جاه و مقام، و میل به خور و خواب است. چون آدمی ازین امیال بکاهد و بر آن غالب آید، آرامش دل و اطمینان نفس می‌یابد، و احساسی چون معرفت‌یافتگان پیدا می‌کند. «میل به خفتن» را به کاهلی و سستی، تنبلی یا بی‌دردی تعبیر کرده‌اند. آن چهار میل دیگر هم آشکارا در زمانه ما و در همه جای این

جهان‌گریبانگیر انسان خاکی است که با نفس خود بر نمی‌آید و امیالش سیری ناپذیر است، و هر چه بهره‌اش از دنیا بیش باشد رضای خاطرش اندک‌تر و گذراتر است.

گل گیلاس

باز شدن گل‌های گیلاس رویداد مهمی است که به ژاپنی، تغییر فصل و آمدن بهار را مؤده می‌دهد. سازمان هواشناسی ژاپن هر سال نزدیک بهار تقویم باز شدن این گلها را بر شاخ درختان تازه بیدار شده همراه پیش‌بینی وضع هوای فصل و به تناسب آن اعلام می‌کند. بسته به وضع هوای سال، شکوفه‌ها در دهه اول فروردین، و نخست در کیوشو (جزیره جنوبی ژاپن) که گرم‌تر است می‌شکفد و موج شکوفه آرام آرام به جزیره اصلی و میانی ژاپن (هونشو) می‌رسد و سپس راه خود را به سوی شمال دنبال می‌کند و نیمه‌های اردیبهشت ماه بار خود را در هوکایدو (جزیره شمالی و سردسیر ژاپن) به منزل می‌نهد.

جشن عروسک‌ها

روز ۳ ماه ۳ (۱۳ اسفند) در سراسر ژاپن جشن‌های گوناگون به مناسبت روز عروسک یا روز دختران برگزار می‌شود این جشن در هر گوشه‌ای و ولایتی رسوم خاص خود را دارد. در سِنْدای، مرکز ناحیه توهوکو در شمال جزیره اصلی ژاپن، برای این روز مراسم گوناگون دارند. در کیوشو در جنوب ژاپن، خانم‌ها در این روز می‌کوشند تا از دروازه معبد کوچکی که به صورت مینیاتور معبد اصلی ساخته‌اند، سینه‌خیز بگذرند و به آنسو بروند. آنهایی که هنوز به عوارض «جامعه مرقه» گرفتار نشده و به وزن تن نیفزوده‌اند، این راه را به مقصد می‌رسانند. عقیده دارند که اگر از این دروازه بگذرند، در سالی که تازه آغاز شده است مریض نخواهند شد.

امسال (۱۹۹۹) بیش از ده هزار عروسک جشن دختران یا «هینا ماتسوری» (که خانواده‌هایی که دختر خردسال دارند هر سال در جشن دختران در خانه زینت می‌دهند) از همه جای ژاپن به معبد آواشیما در ایالت واکایاما فرستادند تا در روز ۳ ماه ۳ (جشن عروسک‌ها) در مراسمی پر سفینه‌های چوبین بازیچه مانند به آب روان سپرده شود. این عروسک‌ها را خانواده‌هایی که دخترانشان به بلوغ رسیده و عروسی کرده‌اند می‌فرستند. زنان بسیار به زیارت این معبد می‌آیند و برای شفای بیماری یا زایمان راحت دعا می‌کنند. خانواده‌هایی که دختر خردسال دارند بر این عقیده‌اند که هر بار پس از سپری شدن روز جشن دختران اگر عروسک‌ها را که در اتاق آراسته‌اند برنچینند، دخترشان در آینده نمی‌تواند آسان همسر پیدا کند.

استاد مینویو هوندا که برجسته‌ترین دانشمند ژاپنی تاریخ ایران دوره مغول شناخته‌شده شد روز ۶ ژانویه ۱۹۹۹ (۱۶ دی ۱۳۷۷) به مرگی ناگهانی درگذشت. چنانکه پرفسور کاژوهیده کاتوه محقق تاریخ امپراتوری مغولان و استاد دانشگاه توه‌کای در خبرنامه ماه مارس ۱۹۹۹ انجمن خاورمیانه شناسی ژاپن یادآور شده، «زنده یاد هوندا تا واپسین روزهای حیات در کار تحقیق و تألیف بود، و از دست رفتنش ضایعه‌ای است جبران‌نشدنی برای جامعه ایرانشناسی ژاپن و نیز حلقه پژوهش تاریخ ایران در سده‌های میانه. بسیاری از ایران‌پژوهان ژاپنی خاطره خوش‌سالیانی را که همراه استاد هوندا و به رهبری و راهیابی او برای تحقیق آثار بازمانده از اسماعیلیان در کوه‌های الموت جست و جو می‌کردند، به یاد دارند.»

از دیدارهای اخیر استاد هوندا از ایران سفری بود در اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ همراه بیش از ۶۰ ایران‌پژوه ژاپنی و به دعوت بنیادهای فرهنگی ایران. او در این فرصت در پاسخ خبرنگاری با یادآوردن اینکه بیش از ۴۰ بار از قلاع اسماعیلیان در ایران دیدن کرده، گفته بود که اگر بخواهیم تاریخ ایران و فرهنگ غنی و پر بار آن را در نموداری ترسیم کنیم، از لحاظ عمودی تاریخی بسیار کهن و غرور آفرین و از نظر افقی فرهنگی فراخ دامن و اثرگذار بر سرزمین‌ها و قاره‌ها می‌یابیم، و در حقیقت مایه و پایه تمدن و تاریخ بسیاری از مناطق شرق و غرب عالم، فرهنگ بالنده و گسترنده ایران بزرگ بوده است (روزنامه همشهری، سال دوم، شماره ۴۱۴، ۱۶ خرداد ۱۳۷۳).

استاد هوندا در سال ۱۹۲۳ در ایالت آئیچی ژاپن به دنیا آمد، در سال ۱۹۴۵ وارد دانشگاه توکیو شد و درس و تحقیق خود را تا دوره عالی در زمینه تاریخ مغول دنبال کرد و سالهای ۵۷-۱۹۵۳ را به تحصیل ایرانشناسی در دانشگاه کمبریج گذراند و ازین دانشگاه درجه دکتری گرفت. عرصه پژوهش او گسترده بود، و سواى تاریخ امپراتوری مغولان در ایران و آسیای میانه، محققى برجسته در تاریخ چین در این ادوار شناخته می‌شد. زنده یاد هوندا سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۵ را به تدریس و تحقیق در دانشگاه هوکایدو (ایالت شمالی ژاپن) گذراند و از بهار ۱۹۷۵ به دانشگاه معتبر کیوتو انتقال یافت و کرسی تدریس تاریخ آسیای جنوب شرقی، و در سال ۱۹۸۵ ریاست دانشکده ادبیات این دانشگاه را یافت. از سال ۱۹۸۶ که هنگام بازنشستگی‌اش از دانشگاههای دولتی فرارسید تا تاریخی که درگذشت در دانشگاه بازرگانی ناگویا تدریس می‌کرد. او از اوایل دهه ۱۹۶۰ (۱۳۴۰ خ) که تحصیل و تحقیق دانشجویان و استادان ژاپنی در ایران فزونی گرفت بارها برای کار پژوهش به تنهایی یا همراه گروههای دانشگاهی ژاپن به ایران سفر کرده و با بسیاری محققان ایرانی تاریخ‌شناس آشنایی و دوستی یافته بود. رشته‌های این الفت را نگاه

داشت و قدر می دانست.

کارهای پژوهشی و مقاله‌های تحقیقی زنده یاد هوندا، که بیشتر به تاریخ ایران در پادشاهی ایلخانان پرداخته، متعدد است. چند مقاله آغازین او که در دهه ۱۹۵۰ نگاشته شده بیشتر در بررسی وضع امپراتوری مغولان و کار و کردار چنگیزخان است. نخستین گزارش ایرانشناسی وی که در راهنمای مقاله‌های ایرانشناسی ژاپن یاد شده است، با عنوان «تحقیقات تازه در زمینه تاریخ ایران در اتحاد جماهیر شوروی» در سال ۱۹۶۱ در مجله مطالعات شرقی (شماره ۳، سال ۴۳، ص ۶۷ تا ۸۵) درج شد. پس از آن، مقاله‌های زیر را می‌یابیم:

- مغول و اسماعیلیان، در: مجله دنیای اسلام، توکیو، شماره ۲، ژوئیه ۱۹۶۴، ص ۱ تا ۱۶.
- گزارش پژوهش و کاوش آثار بازمانده در ایران که روشنگر تاریخ سده‌های میانه است، سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۴.

- قلاع اسماعیلیان در الموت، در: مجله مؤسسه مطالعه زبانها و فرهنگهای آسیا و آفریقا، مارس ۱۹۷۲، ص ۷۳ تا ۷۸.

- شناخت منابع و مآخذ تاریخ ایران، در: مجله مطالعات تاریخی آسیا، توکیو، ۱۹۸۴.
مقاله‌ای هم درباره «مطالعات ایرانی در ژاپن» (به فارسی) در مجله راهنمای کتاب (دوره ۲۱، شماره‌های ۵، ۶ و ۷، سال ۱۳۵۷، ص ۸۸ تا ۹۶) نگاشت.

در همین سالها در کنار پژوهشهای ایرانی و آسیای میانه، «فرهنگ چند زبانه نامهای کسان و اعلام جغرافیایی ترکستان شرقی، سونقاریا و تبت» ساخته دو فرهنگ نویس چینی را همراه سه پژوهنده دیگر ویراست و منتشر ساخت.

عمده مقاله‌های مغول شناسی استاد هوندا در مجموعه‌ای با عنوان «مونگول - جیدای شی کنکیو» Mongol - Jidai Shi Kenkyu (مجموعه مقاله‌های مغول شناسی) در سلسله انتشارات دانشگاه توکیو (سال ۱۹۹۱) چاپ شده است. فهرست مقاله‌های برگزیده و درج شده در این مجموعه در زیر می‌آید:

فصل یکم: نظام (صحرائشینی) مغولستان:

- ۱ - سیزده خاندان تابع چنگیزخان، ۲ - درباره مینگقان در امپراتوری مغول که چنگیزخان بنیاد کرد، ۳ - سازمان لشکری و نظام قبیله‌ای چنگیزخان، ۴ - عهد و میثاق مکتوب مغولان، ۵ - نظام چادرنشینی مغول، ۶ - نظام مغولی امرای جلایر.

فصل دوم: مغول و اسلام:

۷ - نظام حکومت اولیه مغولان در ایران، ۸ - حکومت امرای گرت در هرات، ۹ - قتل عامی که هولاکو کرد، ۱۰ - شرح مارکوپولو درباره «بیر کوهستان» (حسن صباح)، ۱۱ - مغولان و اسلام.

فصل سوم: مغول و ایران:

۱۲ - نظام اقطاع و اولوئیس هولاکو، ۱۳ - اصلاحات مالیاتی غازان خان، ۱۴ - مالیات طمغا، ۱۵ - اقدام غازان خان در یکتواخت کردن آوزان و مقادیر، ۱۶ - بنای سلطانیه، ۱۷ - قشلاق و ییلاق ایلخانان.

فصل چهارم: منابع فارسی تاریخ مغول ایران:

۱۸ - فهرست ساخته رشیدالدین از مجموعه آثار خود، ۱۹ - تاریخ چین رشیدالدین، ۲۰ - اصطلاح‌های برگرفته از زبانهای مغولی - ترکی که پساوند «میشی» دارد («میش» به معنی درگیری و کشمکش است)، ۲۱ - هویی هویی گوآن بی یو (فرهنگنامه کهن چینی به فارسی)، ۲۲ - در انساب سلسله متقدم یوان شمالی (در چین).

۱۶۰

این کتاب پیوست‌هایی نیز در معرفی شجره خاندان چنگیز، نقشه‌های تاریخی دوره مغول از نواحی مختلف این امپراتوری، و دانسته‌های دیگر، دارد، و منبعی سودمند برای بررسیهای مغول‌شناسی و تاریخ ایلخانان برای پژوهندگان ژاپنی زبان است.

زمینه پژوهش استاد هوندا تاریخ ایران در دوره فرمانروایی مغولان، از یورش چنگیز تا پایان کار ایلخانان، بود، و در این عرصه نیز به رویدادهای تمدن ساز و فرهنگ گستر بیشتر نظر داشت، چنانکه اثر حمله مغولان در مبادله علوم میان شرق و غرب آسیا تا چه پایه مورد توجه آنان بود و خواجه نصیر طوسی به این پشتگرمی رصدخانه مراغه را برپای داشت.

تحقیق در کار و کردار فدائیان اسماعیلی، که بساط قدرت و حشمت آنها به دست هولاکو و سرداران او برچیده شد زنده یاد هوندا را دهها بار به کوههای سر به فلک کشیده و سخت گذر الموت کشاند. او آشنایی با زبان و فرهنگ و تاریخ چین را نیز سرمایه کار پژوهش ساخته و از ایرانشناسان انگشت شمار ژاپن بود که با حوزه‌های علمی و دانشگاهی چین انس و آشنایی نزدیک و رفت و آمد داشت. امپراتوری مغولان در سده‌های سیزده و چهارده میلادی (هفتم و هشتم هجری) از چین تا اروپا گسترده بود، و منابع سرشار و دانستیهای بسیار درباره این دوره را در متون چینی می‌توان یافت، و پیداست که آشنایی با منابع چینی و دسترسی به این گنجینه

سرشار تا چه پایه برای پژوهنده احوال دوره مغول و سرزمینهای زیر حکومت آنان سودمند تواند بود.

به یاد دارم که استاد هوندا در سی امین مجلس سالانه انجمن خاورشناسی ژاپن، در نوامبر ۱۹۸۸ در کیوتو، از ستاره شناسی و رونق آن در دوره ایلخانان سخن گفت و افزود که «با همه ویرانی و کشتاری که هجوم مغولان همراه آورد، بسیاری از ایرانیان در این میان توانستند زمینه برای بروز استعدادها بیابند، که خواجه نصیر طوسی (۱۲۷۴ - ۱۲۰۱ هـ) یکی از اینان بود که به از میان برداشتن فدائیان اسماعیلی یاری کرد و در حمله هولاکو به بغداد هم که دستگاه خلافت را برانداخت، مشاور خان مغول بود. خواجه نصیر دفتر و دیوان مالیاتی برای حکومت ایلخانی ترتیب داد و سپس به ایجاد رصدخانه مراغه و پیشبرد علم نجوم که ابن سینا بنیاد کرده بود همت نهاد، و پس از دوازده سال تلاش زیج ایلخانی را پرداخت و به اباقاخان تقدیم کرد. زیج الغ بیک در سمرقند دنباله بنیاد و سنت مراغه است. آثار رصدخانه مراغه که کارهای نجومی گوناگون در آن می شد هنوز باقی است. رشیدالدین فضل الله همدانی (۱۳۱۸ - ۱۲۴۸ هـ) نیز در جامع التواریخ پایه دانش نجومی خواجه نصیر طوسی را ستوده است.»

یادگارهایی ذهنی از استاد فقید مینوبو هوندا دارم که در فرصتی دیگر، در بخش «خاطره‌ها» باز خواهم گفت. یادش گرامی باد!

کوچه هزار پیچ تاریخ

بر لب چشمه خورشید

شاید که شماری از خوانندگان از خود پرسیده‌اند که نام «از چشمه خورشید» برای یادداشتهای ژاپن چه مناسبتی دارد. ژاپن را در جایی «خراسان جهان» نامیده بودم (گزارش مجلس خاورشناسی ژاپن در ماه نوامبر ۱۹۸۴، در: آینده، شماره ۴ - ۵ سال یازدهم، تیر - مرداد ۱۳۶۴). در ادب و تاریخ قدیم، ژاپن سرزمین خاستگاه هور یا طلوع آفتاب خوانده شده، که همان خراسان است، و چین را سرزمین غروب آفتاب گفته‌اند. در آغاز سده هفتم میلادی (سال ۶۰۷) در فرمانروایی ملکه سوئیکو و شاهزاده شوئو توکو نایب السلطنه او و کشوردار با تدبیر ژاپن، فرستاده امپراتور روانه دربار پادشاهان «سوئی» در چین شد. نامه نایب السلطنه به امپراتور چنین آغاز می شد: «از امپراتور سرزمین طلوع خورشید به امپراتور کشور غروب آفتاب.» در آن روزگار ژاپن و چین را دو کشور بزرگ اینسو و آنسو جهان می شناختند. سرزمین طلوع خورشید را در فارسی به تساهل «کشور آفتاب تابان» ترجمه کرده‌اند اما درستش همان خاستگاه هور یا

خورآسان (خراسان) است، چنانکه درباره خراسان ما فخرالدین گرگانی در ویس و رامین گفته است:

زبان پهلوی هر کو شناسد خراسان آن بُود کز وی خور آسد
خورآسان را بُود مغنی خورآیان کجا از وی خور آید سوی ایران
در دیوان شمس مولانا هم می خوانیم:
شمس الحق تبریزی، از بس که در آمیزی تبریز خراسان شد، تا باد چنین بادا
که مراد از خراسان شدن تبریز، روشن شدن آن چنانکه خراسان یعنی خاستگاه خورشید،
است.

بیرونی نوشته است که «سمزکند» نام ترکی سمرقند است، و معنی «شهر خورشید» دارد:
بنگرید به تألیف زیر که از اشپرینگر Springer نقل کرده است:

E. Bretschneider; Medieval Researches from East Asiatic Sources, 1967, p. II: 60, n.827.

شاهزاده خانم تاکاماتسو همسر عموی امپراتور ژاپن در خاطراتش، «از دوران سه امپراتور»،
نوشته است که هنگام دیدار پو - یی Pu - yi امپراتور منچوری (که ژاپن پیش از جنگ، در آنجا
حکومتی بنیاد کرده بود) از ژاپن در سالهای نخست دهه ۱۹۴۰، تین می Teimei ملکه وقت ژاپن
که ازین رویداد شوق و هیجان فراوان داشت هنگام خداحافظی به او گفت: «هر بار که خورشید
غروب کند (کنایه از اینکه به سوی چین برود) به یادتان خواهم افتاد.» پو - یی هم پاسخ داد: «من
هم هر هنگام برآمدن آفتاب شما را به یاد خواهم آورد.» (از: یومیوری شیمبون، ۴ دسامبر
۱۹۹۸).

۱۶۲

یادی از سایگو تاکاموری

سایگو تاکاموری Saigō Takamori (۱۸۷۷ - ۱۸۲۷) را می توان نمونه و نماینده قهرمانان
ناکام تاریخ ژاپن دانست. او از مردان مصمم و تاریخ سازی بود که جنبش تجدّد ژاپن (از سال
۱۸۶۸) را که به نام امپراتور اصلاح گرا و ترقی خواه آن دوره که تازه جلوس کرده بود «نهضت
میجی» خوانده می شود، طراحی کرد و به پیش برد. در آن سالها مسائل اساسی و حیاتی پیش
روی ژاپن بود، و برآمدن با استعمار و نفوذ قدرتهای غربی از عمده ترین آن. رهبران نهضت تجدّد
و اندیشمندان درباره هر گام و هر مرحله ازین تلاش بزرگ عقایدی داشتند که ساخته بینش
تاریخی آنها بود، و این آراء در کوره زمان آزموده می شد یا که اهل رأی به قوت استدلال دیگران
را مجاب می ساختند. اما در چند برهه خطیر، کار سخت شد و به رویارویی کشید. یکی در
مسأله کره بود. شماری، از آئیمان سایگو تاکاموری، بر آن بودند که ژاپن هم باید پا جای پای



● دکتر هاشم رجب‌زاده و پروفیسور ایموتو در جشن پایان تحصیل دانشجویان

غریبان سلطه‌جو بگذارد، و پاسخ درست و مناسب به کره که از گشودن شدن مناسبات سیاسی با ژاپن «سنت شکن و غرب‌گرا» به بیم و ملاحظه‌هایی خودداری داشت، جنگ است و تاختن و دریدن و بریدن و شکستن و بستن. هنگامی که دولت ژاپن تصمیم گرفت که با کره به ستیزه برنیاید، سایگو، رهبر رزمجویان در «شورای حکومتی»، مردی که مظهر فضیلت‌های سپاهیگری شناخته می‌شد، با همفکرانش از دولت بیرون رفت. مردان سامورایی ناراضی پیرامون او در ایالت ساتسوما Satsuma هسته مقاومتی ساختند، اما قیامشان زود سرکوب شد (۱۸۷۴ م.). در سال پس از آن، سه اقدام تازه دولت، رزمندگان سامورایی را هر چه بیشتر بر آشفت: موافقتنامه‌ای با کره، بنادر این کشور را به روی بازرگانی ژاپن گشود که پیروزی دیپلماتیکی بود برای ژاپنی‌ها به همان شیوه که غریبان بیست سال پیش بر ژاپن یافته بودند. اما این توافق موجب نارضایی جناحی شد که شکست مذاکره با کره‌ایها را بهانه‌ای برای جنگ می‌خواستند. در صحنه داخلی هم در بهار اینسال رزمندگان سامورایی امتیاز بستن شمشیر را، که آخرین نشانه تشخیص اجتماعی آنها بود، از دست دادند، و پس از آن هم مقرری که برای آنها قرار داده بودند قطع و به اجبار بازخرید یا به اوراق قرضه بدل شد. شورشهایی در گوشه و کنار برخاست، اما در ساتسوما، مرکز قدرت سایگو، ناآرامی بالاگرفت و سرانجام او به سرداری ۲۰ هزار رزمنده سامورایی روانه پایتخت شد. در ۲۰ فوریه ۱۸۷۷ دولت ژاپن سایگو را شورش‌خواند، و پیشروی مردان او با

مقاومت سخت پادگان کوماموتو در جزیره کیوشو، در جنوب ژاپن، روبرو شد. حکومت نوپای «میجی» نیز همه قشون چهل هزار نفره خود را در کار آورد تا سرانجام در ماه سپتامبر این شورش را در هم شکست. از سایگو و یارانش افسانه‌ای در یادها بازماند، و اثری دیرپای در سیاست ژاپن. سایگو که به قول مهدیقلی هدایت، مخیرالسلطنه، مرد هزار مرد بود (سفرنامه تشریف به مکه از راه چین، ژاپن و آمریکا، ۱۳۲۴، ص ۱۱۸) (ژاپنی‌ها، مرد صد مرد می‌گویند) پس از هفت ماه جنگیدن چون شکست را روبرو دید به سنت رزمندگان ژاپنی خودکشی کرد (هاراکیوی). او که برای استوار شدن حکومت تازه ژاپن جنگیده بود، از رفتار دیوانسالاری تازه با طبقه رزمنده قدیم آزرده شد، و نیز از جریان تند غرب‌گرایی که به گمان او داشت ارزشهای قدیم را از میان می‌برد. این تانکا (شعر کوتاه سی و یک هجایی) را از او دانسته‌اند:

من سفینه‌ای‌ام

وقف میهنم

اگر تند باد و توفانست، بگذار بیاید،

و اگر موج خروشانست

بگذار برآید

۱۶۴

مجسمه‌ای از سایگو در اوئه‌نو، در مرکز توکیو، برپای است و ژاپنیان از برابر آن به احترام می‌گذرند هر چند که تاریخ نشان داده است که اندیشه دیگر رهبران تجدد ژاپن که به ستیزه‌خواهی سایگو میدان ندادند درست بود.

اگرها در تاریخ ژاپن

در تاریخ ژاپن، مانند سرگذشت هر ملت بالنده دیگر، اگرهای بیم‌انگیز یا حسرت‌آور بسیار است. اگر مغولان که در سالهای ۱۲۷۴ تا ۱۲۸۱ م. بارها به ژاپن تاختند و به پایمردی رزمندگان سامورایی عقب رانده شدند و سرانجام «کامیکازه» یا تند باد خدایان لشکرشان را در دریا نیست کرد، پیروز برآمده بودند، ژاپن چه سرنوشتی می‌داشت؟ اگر نوبوناگا، فرمانروای لشکری ژاپن در سده شانزده میلادی، رهبران قدرت طلب حوزه‌های بودایی را بیرحمانه نابود نمی‌کرد، تاریخ ژاپن چگونه رقم خورده بود؟ نوبوناگا که گفته‌اند که عقیده‌ای به اصول بودایی نداشت و از قدرت و نفوذ بعضی از حوزه‌های بودایی خرسند نبود، به کین توزی اتحاد معابد اینریاکو Enryaku کوه هی‌یی Hiyei با دشمنانش، آنجا را با خاک یکسان کرد. در پاییز سال ۱۵۷۱ م. مردان نوبوناگا این کوه را در میان گرفتند و از هر سو پیش رفتند و سر راه خود تا بالای کوه هر بنایی را که یافتند به آتش کشیدند، به هیچ جانداری رحم نکردند و حدود ۳۰۰۰ نفر را در این معابد، از زن و مرد و

پیر و جوان، از دم تیغ گذراندند. در سال ۱۵۷۲ نیز نوبوناگا که در کار استوار کردن قدرت بی‌منزاع خود در ژاپن بود، به دو پایگاه و حوزه بودایی تاخت و در این حمله و ویرانگری ۲۰/۰۰۰ مرد و زن در آتش سوختند. این تاختن و کشتارهای نوبوناگا را که حوزه‌های بودایی را از آن پس در معابد خود محصور و گوشه‌گیر کرد، نقطه عطفی در تاریخ ژاپن دانسته‌اند.

سرانجام، در تاریخ معاصر و رویدادهای دوره تجدّد ژاپن هم این «اگر»ها به ذهن می‌آید. از آغاز تجدّد و چند دهه تلاش و کشاکش که رهبران ژاپن نوین برای استوار کردن بنیادهای تازه در میان داشتند، نخستین آزمون بزرگ که برای این قدرت نخواستۀ جهانی پیش آمد جنگ با چین (۹۵-۱۸۹۴) و سپس جنگ با روس (۱۹۰۵-۱۹۰۴) بود. جنگ ژاپن با روس که در واقع پیامد و دنباله جنگ با چین بود، رویدادی سرنوشت‌ساز نمود که به عقیده بسیاری از مورخان و اندیشمندان برای ژاپن اهمیت مرگ و زندگی داشت. توگو هی‌هاچیرو Togo Heihachiro دریا سالار نامی ژاپن توانست در نبردی حیرت‌انگیز در تنگه تسوشیما در دریای ژاپن ناوگان روس را به زیر آب بفرستد. بونمی تسوچیا Bunmei Tsuchiya شاعر معاصر ژاپن در قطعه‌ای با عنوان «نخستین گلوله توپ» گفته است:

سرنوشت ژاپن

به نخستین گلوله توپی که می‌اندازند بسته است.

چون به توپچی زیر دست آن روزگار فکر می‌کنم، اشکم سرازیر می‌شود.

با این شکست، روسیه به صلح تن در داد. توگو را هم میهنانش تا پایان جنگ دوم در جای قهرمان ملی می‌ستودند، اما در احوال سیاسی امروز دنیا سیاستمداران محافظه‌کار ژاپن به ملاحظه احساسات ملت‌های هم‌جوار که سختی و ستم‌های پیش از جنگ را هنوز به یاد دارند، کمتر از و سخن می‌گویند. با این همه چند سالی پیش تاکه‌ئو نیشی‌اوکا Takeo Nishioka وزیر فرهنگ وقت ژاپن که برای خبرنگاران خارجی سخن می‌گفت اظهار کرد: «وقتی فکر می‌کنم که اگر ژاپن در جنگ با روس شکست می‌خورد چه بر سر ما می‌آید، می‌بینم که این جنگی تعیین کننده بود که بود و نبود ما را رقم می‌زد.»

دنیای ایرانشناسی

مجلس امسال ایرانشناسی ژاپن

بهار موسم شکوفه‌های گیلان معروف ژاپن است. مردم صاحب‌دل این سرزمین به دیدن گل‌های گیلان خوشند و می‌دانند که از «طعم گیلان» لذتی نخواهند برد. بیشتر درخت‌های باروبر است و گیلان‌سایه‌ها هم که در گرمخانه‌ها به لطایف الحیل پرورش می‌دهند گرانتر از جواهر در

می آید.

شکوفه‌های گیلان در آغاز فروردین از جنوب ژاپن شروع به باز شدن می‌کند و خرامان خرامان راه شمال را در پیش می‌گیرد تا در نیمه دوم اردیبهشت به هوکایدو، سرزمین برفی ژاپن، برسد. توکیو در نیمه راه است و شاخسارها در اینجا در نیمه فروردین گلباران. مجلس ایرانشناسی امسال ژاپن به همت استاد تاکه‌شی کاتسو فوجی ایرانشناس فرزانه و نیز محقق تاریخ و ادب چین در موسمی که درختان گیلان شکوفه بر سر آورده بود در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو برگزار شد. مهمانداری مجلس امسال را آقایان کوچی کامیوکا و کوچیچی هانهدا استادان ایرانشناسی مؤسسه مطالعه زبانها و فرهنگهای آسیا و آفریقا، داشتند، و بیش از ۶۰ ایرانشناس و پژوهنده زبان و فرهنگ ایران را که در این مجلس گرد آمده بودند با مهربانی و تلاش و تدبیر پذیرا شدند. جایگاه و محبوبیت میزبانان نزد دانشگاهیان ژاپن در جذب شمار بی‌سابقه‌ای از ایران پژوهان به مجلس امسال مؤثر بود. آقای هانهدا پژوهنده تاریخ صفویان در کار تحقیق و تألیف دقت و وسواس بی‌اندازه دارد و آنچه را که بر کاغذ می‌آورد با الماس می‌سنبجد؛ فارسی را مانند زبان مادری حرف می‌زند و سخنش را با نکته و مثل و اصطلاح و کنایه‌هایی که خاص ایرانیان فرهیخته است چاشنی می‌دهد.

۱۶۶

با مروری کوتاه در مباحث علمی این مجلس، حال و هوای آن را می‌یابیم:

استاد موریو اونو محقق دیر آشنا و خستگی ناپذیر جامعه و کشاورزی ایران که بیش از سی سال است تحقیق جامعه‌شناسانه خود را در روستای خیرآباد نزدیک مرودشت فارس متمرکز ساخته است، بررسی تازه‌ای از نام مردم آن روستا و روابط خویشاوندی آنها در میان نهاد. استاد اونو که در جامعه ایرانشناسی ژاپن، به سابقه تجربه و تألیف و فضل تقدم، احترام خاص دارد و به تازگی از یک بیماری به سلامت برخاسته و دوستان را خوشحال ساخته است، سخنان افتتاحیه مراسم پذیرایی را که بنا به رسم احترام و تجلیلی است نسبت به میهمان ممتاز مجلس، ایراد کرد و پس ازین میهمانی نیز در جلسه‌ای دو ساعته درباره کتاب خیرآباد نامه خود که ترجمه فارسی آن به تازگی از سوی انتشارات دانشگاه تهران در آمده است سخن گفت و به پرسشهای گوناگون حاضران درباره آن و نیز جنبه‌های گوناگون کار و تحقیق خود پاسخ داد.

پیش‌تر، استاد تاکه‌شی کاتسو فوجی در معرفی تألیف یاد شده استاد اونو سخن گفت و واژه‌های مربوط به روستا و کشت و برداشت، اصطلاح‌ها و تکیه کلامهای آمده در این اثر و ترجمه فارسی آن را که به دقت فهرست کرده بود در میان نهاد و نکاتی را یادآور شد.

آقای تاکامیتسو شیماموتو محقق اندیشه اسلامی و استاد دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا که چند سالی است به افکار و آثار عالم فقید مرتضی مطهری دل بسته است موضوع عدل الهی



● پروفیسور تاکہشی کاتسوفوجی در جلسہ سالیانہ ابرانشناسی در توکیو بہار ۱۳۷۸

در اندیشہ شیعه و تبیین مرحوم مطہری را مطرح کرد و با بررسی مفہیم و جنبہ های چہارگانہ عدل (تکوینی، تشریحی، اخلاقی، و اجتماعی) کہ در شرح و سخن آن زندہ یاد مطرح شدہ است، بہ مناسبت از اندیشہ ملاصدرا دربارہ ماہیت و وجود نیز یاد کرد. آقای شیماموتو از ہر دیدار تحقیقی از ایران با ارمغان فکری تازہ ای باز می گردد، و رہ آورد. سفر اخیروی اشعار پر بار و زیبای فارسی است کہ بہ حافظہ سپردہ و بہ جا و مناسب، شنوندگان سخن خود را از آن محفوظ می کند.

آقای ریوایچی ہارا محقق کشاورزی ایران و استاد بخش بین المللی دانشگاه دایتو بونکا در ایالت سایتاما از برنامه مبادلہ علمی با دانشگاه شیراز سخن گفت و از طرحی کہ برای استفادہ بہینہ ازین ترتیب آمادہ کردہ است. پژوهندگان بخش مطالعات آسیایی دانشگاه دایتو بونکا بہ تازگی دو کتاب در موضوع تمدن و علوم آسیا بہ ژاپنی ترجمہ و منتشر کردہ اند: یکی «پاسخ ہنر بہ فن آوری و فرہنگ اروپایی»، و دیگر «فنون اسلامی: تاریخ مصور آن».

آقای کازویوکی کوہبُو دانشیار دانشگاه کیوتو کہ دربارہ تاریخ و ادب دورہ میانہ ایران (مغول تا تیموریان) تحقیق می کند، مقالہ بسیار گیرایی دربارہ «شہر آشوب در شعر فارسی» در حوزہ ہرات، با بررسی «صنایع البدایع» سرودہ سیفی بخاری (در گذشتہ ۹۰۹ھ) فرانہاد، و بہ بررسی ویژگیہای این گونه شعر برآمد، فہرستی شامل ۱۲۴ عنوان از حرفہ ہا و پیشہ ہایی کہ درین

شعرها از آن یاد شده است ارائه داد و به معرفی زمینه و محتوای این سروده‌ها پرداخت و نمونه‌هایی ازین غزلها یاد کرد.

درباره شهر آشوب‌های فارسی که برای حاضران سخنی پر جاذبه و دلنشین بود پرسش‌ها و نظرهایی در میان نهاده شد، و خانم کونیکو یاماموتو که سالهای بسیار است که درباره شعر فارسی و به ویژه شاهنامه فردوسی تحقیق می‌کند، توضیح داد که در دوره صفوی مسابقه شعری در محله‌ها برگزار می‌شد و با این کار مردم و اهل پیشه‌ها و حرفه‌ها تشویق می‌شدند که شعر بگویند. در این سروده‌های ساده و از دل برآمده، وضع زندگی مردم شهرها و احوال اجتماعی آن روزگار نشان داده شده است.

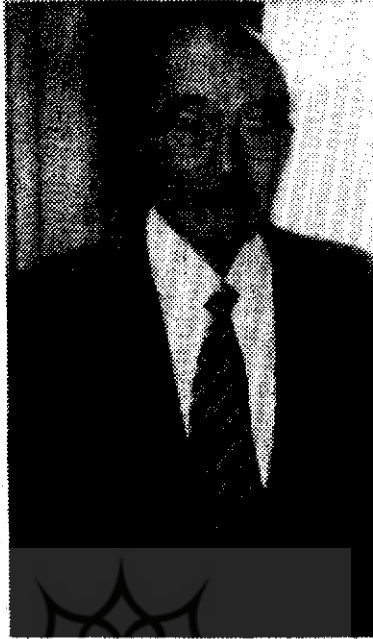
آقای هیتوشی سوزوکی ایران‌پژوه مؤسسه تحقیق اقتصاد آسیا که درباره جامعه ایران معاصر (از دوره قاجار تا امروز) بررسی می‌کند، درباره زمینه و جریان تحقیق تازه خود گفت و نیز درباره دیدار اخیرش از ایران.

آقای ساتوشی کوزودا استاد ایران‌پژوه دانشگاه سندای در شمال ژاپن نیز در بحث و سخن مجلس امسال شرکت داشت. آقای کوزودا اکنون کار تحقیق خود را در موضوع انقلاب مشروطه ایران متمرکز ساخته است.

خانم آکیمی ساتو از دوستان ایران و زبان فارسی نیز به این مجلس آمده بود. خانم ساتو به تازگی یکسالگی در ایران بوده و به راهنمایی استاد باستانی پاریزی و دیگران بررسی خود در تاریخ ایران را دنبال کرده، که حاصل آن یکی مقاله «مرو شاهجان در آغاز دوره اسلامی» است که در مجله دنیای اسلام (شماره ۳ ژوئن ۱۹۹۴) درج شده بود و خود نویسنده آن را به پارسی در آورده و این متن در شماره ۱۵ شهریور ۱۳۷۶ روزنامه اطلاعات چاپ شده است. خانم آکیمی ساتو فارسی را خوب و روان حرف می‌زند.

آقای ماساشی میزوتا دانشیار دانشگاه بازرگانی اوساگا درباره پول و بانکداری در ایران دوره قاجار سخن گفت و شرحی نیز درباره روابط شرکتهای تجاری آن دوره در بازرگانی خارجی داد. آقای میزوتا فهرست گویایی از شرکتهای فعال در تجارت خارجی ایران در آن سالها و عملکرد این شرکتهای به خلاصه گزارش خود که در جلسه توزیع شد افزوده بود.

آقای کِنجی تومیتا استاد دانشگاه می‌یازاکی که درباره تأسیس‌های اسلامی تحقیق می‌کند به موضوع ولایت فقیه و اجتهاد از نظر امام خمینی پرداخت، و سخن را بر محور مباحث کتاب «ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی» تألیف آیت‌الله محمدابراهیم جنتی دنبال کرد، و در شرح موضوع به تبیین جایگاه «مصلحت» در اجتهاد بر آمد و سپس به پاسخ دادن به سؤال‌های مطرح شده کوشید. جالب‌ترین بحث از سوی آقای شیماموتو در میان آمد، که بر خلاف نظر سخنران



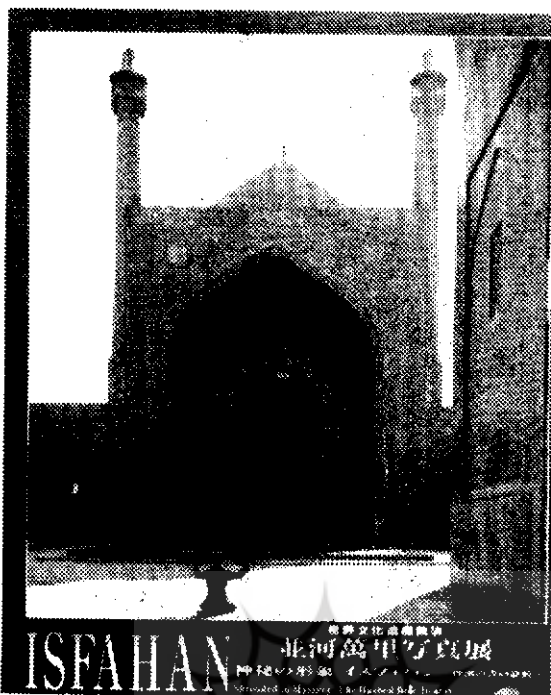
● پروفیسور موریو اونو در مجلس سالانہ ایرانشناسی در توکیو، بہار ۱۳۷۸

۱۶۹

اظہار کرد کہ مصلحت ہیچ گاہ نمی تواند در برابر نص قرار بگیرد، و بہ اصطلاح «اجتہاد در برابر نص جایز نیست».

پژوہندگان جوانتر ہم در این مجلس سہم و سخن داشتند. خانم نوریکو ساتو کہ آئین عزاداری برای شہادت امام سوم را در مجامع شیعی پاکستان و آسیای جنوب شرقی بررسیہ است، دربارہ رسم و راہ آنان در عزاداری کہ در آنجا «ماتم» خوانندہ می شود، سخن گفت و صحنہ های آن را با عکس و اسلاید نشان داد. ہمراہ مقالہ ای کہ بہ تازگی از خانم ساتو دربارہ عزاداری شیعیان دوازده امامی تایلند در یکی از مجامع آنها در بانگکوک (در محرم سال ۱۴۱۹ هـ برابر مہ ۱۹۹۸) در مجلہ «ایسوزام - نو - سہ کای» (دنیای اسلام) درج شدہ، تصاویری ازین مراسم آمدہ و توضیح دادہ شدہ است کہ ہیأت عزاداران در حال راہ پیمایی و سینہ زنی بہ فارسی «نوخہ» می خوانند. گفتنی است کہ خانم کیکو ساکورایی نیز کہ در موضوع آموزش در ایران تحقیق می کند بہ تازگی بہ تایلند رفتہ و فعالیت مدرسہ اسلامی بانگکوک متعلق بہ شیعیان را کہ از سوی بنیاد خوبی در آنجا گردانندہ می شود بررسیہ است.

آقای ساتوشی موری شیمان دانشجوی دورہ دکتری دانشگاه مطالعات خارجی توکیو نتایج تحقیق و تجربہ اش را در فارسی نگاری با رایانہ و کلمہ پرداز در میان نهاد، و بہ درستی نتیجہ گرفت کہ در آوانگاری فارسی بہ لاتین باید روشی را بہ کار برد کہ نوشتہ درست و آسان خوانندہ



شود، و فقط دنبال کردن شیوه‌هایی که در اصل برای زبانهای دیگر مانند عربی ابداع شده است نمی‌تواند در فارسی کار ساز باشد. آقای موری شیما فارسی را خوب آموخته است و روان حرف می‌زند و به ایران پژوهی دل بسته و مدتی نیز در ایران سرگرم تحقیق بوده، و از امیدهای آینده ایرانشناسی ژاپن است.

خانم تویوکو موریتا دانشجوی دکتری دانشگاه کوبه که سالیانی است پس از پایان دوره فارسی آموزی در دانشگاه دنبال کار ایران پژوهی را رها نکرده است، درباره «مفهوم آزادی مطرح و بیان شده در کتابهای درسی» و مقایسه متون درسی پیش و پس از انقلاب اسلامی ازین نظر، سخن گفت، و یادآور شد که برابر رهنمود کتابهای تعلیمات اجتماعی، آزادی اسلامی باید «مصلحت» را در نظر داشته باشد.

از جوانان نوحاسته، هیده تویو ساتو دانشجوی دوره عالی دانشگاه مطالعات خارجی تویوکو که یکسال در ایران بوده و در ماسال و شاندرمن کشت و برداشت برنج را بررسی کرده است. حاصل تحقیق خود را درباره انواع برنج و «فرهنگ برنج» در ایران در میان نهاد. از ایران خاطره خوش داشت و از حاصل کار خود خرسند بود.

خانم کازوکو فوکامی هم به روستاشناسی ایران پرداخته، و نیز به تازگی و با همکاری آقایان موری شیما، موری موتو و دیگران کتاب راهنمای ژاپنی برای سفر به ایران تهیه کرده است.



● صورت نگاشته شده از آقای، میرزا علی اصفرخان امین السلطان، که به مناسبت درج مصاحبه‌ای با او در سفرش به ژاپن در یکصدسال پیش، در روزنامه توکیو آسامی شیمیزو شماره ۱۶ دسامبر سال ۱۹۰۳ گراور شده است.

آقای هاسه گاوا مدرس بخش زبان ژاپنی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا که تحقیق در فارسی را هم به پای شوق دنبال می‌کند مقاله‌ای درباره ضمیر پیوسته در فارسی و الگوهای کاربرد آن، و نیز حروف ربط و افعال در زبان محاوره آماده کرده بود.

خانم کونیکو شیمائو که به تازگی دوره ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا را گذرانده است پایان نامه خود در موضوع «حقوق آب (کشاورزی) در ایران» را معرفی کرد و از روش تحقیق محلی خود در چند روستای نزدیک تهران گفت.

از دیگر حاضران این مجلس آقای سانو محقق جوان دانشگاه کیئو که سرگرم تحقیق در احوال سیدحسن تقی‌زاده است، و آقای آکیمیکو یاماگوتچی دانشجوی دوره عالی ایرانشناسی در توکیو که به تحقیق درباره اسناد تاریخی موجود در کتابخانه‌های استانبول پرداخته است، بودند.

آقای نوبوآکی کوندو محقق دانشگاه ایالتی توکیو نیز به پژوهش اسناد تاریخی ایران برآمده و گویا قرار است که در چند ماه آینده گرداننده مجلسی علمی برای بررسی این منابع باشد.

یادگاری از سفر اتابک به ژاپن

خانم کیمی نه تونوما دانشجوی کوشای دوره دکتری ایرانشناسی در توکیو که بیشتر درباره احوال و آثار نیما یوشیج تحقیق می‌کند، با توجه به علاقه این نگارنده و مقاله‌ای که درباره سفر اتابک، میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان، و همراهان او به ژاپن در یکصد سال پیش، نوشته بودم، عکسی از گزارش درج شده در روزنامه «توکیو ماینچی شیمبون» همراه تصویری از اتابک هنگام سفر او و همراهانش به ژاپن در دسامبر ۱۹۰۳ تهیه کرده بود و با اهدای آن ممنونم ساخت. تصویر درج شده همراه گزارش مصاحبه با اتابک را در اینجا می‌آورم. این تصویر امضای اتابک با تاریخ ۱۳۱۹ هـ را دارد که می‌شود آوریل ۱۹۰۱ تا مارس ۱۹۰۲، درحالی‌که او در دسامبر ۱۹۰۲ و اوایل ژانویه ۱۹۰۳ در ژاپن بود. یا در تاریخ گذاری اشتباه شده یا که این تصویر در تهران کشیده شده بوده و اتابک آن را به روزنامه داده است.

مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) از همراهان اتابک در سفر ژاپن تصویری شبیه به این را در کتاب خود (سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق... و ژاپن، چاپخانه مجلس، ص ۱۰۳) نموده و نوشته است: «در روزنامه خوانده شد: ۱۳ دسامبر ۱۹۰۳ امپراتور محض اظهار محبت صدراعظم ایران را پذیرفت و به شاهزاده سادا آوارو دستور داد وزیر اعظم، پسرش و مصاحبش را در باغ شیبیا مهمانی کند. خبر دیگر: یازن کمورا شب ۲۴ (دسامبر) شام به وزیر اعظم ایران خواهد داد. در این خبر شکلی هم از اتابک در روزنامه بود (گراور بالا).»

۱۷۲

محققان ایرانی در ژاپن

آقای دکتر محمدرضا نصیری استاد دانشگاه پیام نور و دبیرکل پیشین فرهنگستان زبان و ادب فارسی که امسال را با استفاده از فرصت تحقیقی در ژاپن می‌گذرانند، به دعوت دانشگاه کیوتو روز ۲۳ ژانویه (۳ بهمن ۱۳۷۷) در محل کتابخانه یادبود استاد فقید هان‌دا درباره منابع تاریخ ایران در بایگانی‌ها و کتابخانه‌های ترکیه سخن گفت. در این مجلس شماری از استادان، محققان و دانشجویان دوره‌های عالی ایرانشناسی حوزه کانسای (منطقه فرهنگی قدیم ژاپن شامل کیوتو، نارا، اوساکا، کوبه و پیرامون این شهرها) دعوت و حضور داشتند. سخنران که خود دانش آموخته دانشگاه‌های ترکیه است، با احاطه به موضوع و بهره گرفتن از منابع و تجارب فراوان و آشنایی علمی و انتقادی با اسناد تاریخی، معرفی‌ای کلی از منابع و اسناد تاریخی ایران محفوظ در سه گنجینه مهم اسناد ترکیه امروز - آرشیو موزه توبقاپی سرای، و دو مخزن دیگر - ارائه داد و از اهمیت و وسعت و تنوع اسنادی که در این مجموعه‌ها نگاهداری می‌شود یاد کرد. برای نمودن کثرت و ارزش این مجموعه‌ها کافی است یادآور شود که به گفته سخنران فقط از اسناد موجود در

توپقایبی سرای (آنچه به ایران مربوط است) می‌توان بر روی هم ۲۰ مجلد ۵۰۰ صفحه‌ای (تاریخ پیش از صفویان ۱۰ جلد، صفویه ۲۰ جلد و ادوار پس از آن ۱۰ جلد) مدون و منتشر ساخت. سخنان آقای دکتر نصیری را آقای دکتر نوبوآگی کوندو محقق بخش تاریخ دانشگاه ایالتی توکیو به فارسی روان و زیبا ترجمه می‌کرد.

در همین مجلس آقای دکتر احسان اشراقی استاد دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران که برای دیدار علمی و به دعوت بنگاههای فرهنگی ژاپن به این کشور آمده بود درباره اهمیت مسجد جامع کبیر قزوین در شناخت تاریخ اجتماعی و سیاسی این شهر سخن گفت، و با معرفی ویژگیهای معماری، هنری و اجتماعی این بنای تاریخی از کتیبه‌های بازمانده در اینجا مؤرخ ۵۰۸ هـ، که بانی این مسجد و واقف آن را امیر خمارتاش بن عبدالله عمادی معرفی می‌کند، یاد کرد و به این مناسبت به شرح درباره بنیاد وقف و اهمیت اجتماعی آن پرداخت. جاذبه موضوع پرشهایی را از سوی حاضران، بیشتر درباره بنیاد وقف در اسلام و ایران و ویژگیهای آن، برانگیخت.

آقای کازویو موری موتو محقق مؤسسه فرهنگ خاوری دانشگاه توکیو که تا چندی پیش و برای تحصیل در دوره دکتری در ایران می‌گذرانده و به راهنمایی استاد احسان اشراقی تحقیق می‌کرده است سخنان ایشان را خوب و روان ترجمه کرد.

دادن اینگونه فرصت‌ها به محققان ایرانی و دعوت آنها که به همت وزارت فرهنگ و آموزش و دیگر بنیادهای تحقیقی ژاپن صورت می‌گیرد در پیشرفت روابط فرهنگی سودمند است و جا دارد که این کار شایسته با آهنگ فزاینده و انتخاب مناسب دنبال شود.

مطالعات زمینه‌ای اسلامی

وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و علوم ژاپن طرحی به نام «مطالعات زمینه‌ای اسلامی» به اجرا در آورده که هدفش گرد آوردن معلومات و ایجاد نظام جامع اطلاع‌رسانی رایانه‌ای برای شناخت بهتر پژوهندگان از جهان اسلام اعلام شده است. دوره این طرح پنجسال (آوریل ۱۹۹۷ تا بهار سال ۲۰۰۲) است.

آقای تسوگیتاکا ساتو Tsugitaka Sato استاد دانشگاه توکیو که سرپرستی این طرح را دارد، در خبرنامه شماره ۱ آن (سپتامبر ۱۹۹۷) اهداف، محتوا و برنامه اساسی کار را چنین برشمرده است:

هدفها: الف - تدبیر شیوه‌های تازه در مطالعات زمینه‌ای اسلامی. در اینجا توجه داده شده است که، در نگرش این طرح، جهان اسلام محدود به خاورمیانه نیست، زیرا که حوزه فرهنگی و

سیاسی اسلام از چین تا بالکان و شمال آفریقا گسترده و نیز امروزه مسلمانان در تقریباً همه کشورهای دنیا حاضر و ساکنند و این گستردگی امر مناسبات جوامع مسلمان را با مردمی از ادیان دیگر که در میان یا جوار آنها زندگی می‌کنند حساس کرده و نیز مسائلی پیش آورده که جنگ داخلی در افغانستان، موضوع اقلیت مسلمان در اروپای غربی و درگیری در یوگوسلاوی نمونه‌هایی از آن است. این همه، ایجاب می‌کند که ممالک و ملل غیر مسلمان تلاش بایسته برای درک و دریافت تاریخ، عقاید، و احوال کنونی مسلمانان در کار آورند.

ب - ایجاد نظام اطلاع رسانی رایانه‌ای مناسب برای مطالعات زمینه‌ای اسلامی.

پ - یاری دادن به پژوهندگان جوان برای ارتقاء آنها به سطح پیشرفته جهانی در این زمینه. برنامه اساسی کار: تحقیقات زمینه‌ای در واقع ترکیب حاصل پژوهش بنیادی در رشته‌های متنوع مانند علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، الهیات، ادبیات، زبان، روابط بین‌المللی و شهرسازی، است. با قبول اینکه یکی از اهداف مطالعات زمینه‌ای اسلامی درک و شناخت جهان معاصر است، مناسب تر خواهد بود که نخست در هر رشته‌ای تحقیق کنیم و سپس به تلفیق نتیجه این تحقیق‌ها پردازیم. با این نگرش، شش واحد پژوهشی زیر، و سیزده گروه فرعی در درون این واحدها، ایجاد شده است که تحت نظارت واحد مدیریت یا سرپرستی این طرح فعالیت دارند:

واحد ۱ - اندیشه و سیاست در جهان اسلام، با سه گروه فرعی (الف) اندیشه معاصر در جهان اسلام، (ب) مسائل مسلمانان در مناسبات بین‌المللی، و (پ) حکومت و قانون در جهان اسلام.

واحد ۲ - جامعه و اقتصاد در جهان اسلام، با سه گروه تحقیق (الف) اسلام و رشد اجتماعی، (ب) اقتصاد و جهان اسلام معاصر، و (پ) گرایشهای تحقیقی در مطالعات زمینه‌ای اسلامی.

واحد ۳ - اقوام، مناطق و اسلام، با سه گروه تحقیق (الف) ممالک مستقل و هویت اسلامی، (ب) مسلمانان معاصر و تعارض‌های فرهنگی، و (پ) منابع برای تحقیق جهان اسلام معاصر.

واحد ۴ - نظامهای اطلاع رسانی جغرافیایی برای مطالعات زمینه‌ای اسلامی

واحد ۵ - تاریخ و فرهنگ اسلام، با دو گروه تحقیق (الف) مسلمانان در زندگی هر روزه، و (ب) تمدن اسلامی در تاریخ بشر.

واحد ۶ - منابع برای تحقیق تمدن اسلامی

در زمینه همکاری بین‌المللی، برگزار کردن کنفرانسهای تحقیقی و شرکت در مجامع بین‌المللی، مبادله اطلاعات و انتشار حاصل تحقیق‌ها (بیشتر از طریق رسانه الکترونیکی اینترنت) پیش‌بینی شده، و قرار است نشریاتی هم به صورت خبرنامه، سلسله مقاله‌ها، جزوه‌های آمار و نمودار شرح حال و... به دو زبان ژاپنی و انگلیسی منتشر شود.

در دنباله خبرنامه شماره ۱ برنامه کار گروههای تحقیق و پیامهایی از مدیران این گروهها در تبیین برنامه کار و دیدگاه و اهداف آنها درج شده است.

خبرنامه شماره ۲ (۲۵ ژوئیه ۱۹۹۸) مژده می دهد که واحدهای تحقیق فعالیت هایشان را دنبال گرفته و به دید و بازدید اقصی نقاط جهان پرداخته اند، به کنفرانسها می روند و برای مجالس علمی و سمینارهای فراوان پژوهندگان نستوه را از گوشه و کنار عالم دعوت می کنند و در تلاشند تا گروهها را از کار جامعه بشری بگشایند و ...

حاصل دو سال کار گروههای تحقیق در زمینه انتشار مقاله های علمی، ۱۶ عنوان جزوه نشر یافته اعلام شده است، که ازین میان آنها که بیشتر با تحقیقات اسلامی و ایرانی سر و کار دارد در زیر فهرست می شود:

No. 3 Yanagishashi Hiriyuki, Islamic Law and the State.

No. 4 Miura Toru & Hemmi Yukiko, Report on the Present Condition of the Original Sources of Islamic Area Studies Found in Japanese Institutions.

No. 7 Stéphane A. Dudoignon, Communal Solidarity and Social Conflicts in Late 20 th Century Central Asia: The Case of the Tajik Civil war.

No. 12 Martin van Bruinessen, The Kurds and Islam.

No. 13 Martin van Bruinessen, The Kurds in Movement: Migrations, Mobilisations, Communications, and Globalization of the Kurdish Question.

No. 16 Miyaji Kazuo, The Middle East Studies in Japan

جوانان و زندگی

اینبار هم از روزنامه خاطرات دانشجویانم بهره هایی را که نماینده حال و هوا و احساس آنها است جدا کرده ام تا با هم بخوانیم. این جمله ها را جوانان ژاپنی که کم و بیش یکسال در دانشگاه فارسی آموخته اند در دفتر خاطرات تابستانشان نوشته اند.

گل تابستان

در راه به خانه، گل «هیماواری» دیدم و یاد دوستم افتادم. ما هم کلاس بودیم و او این گل را خیلی دوست داشت. او خیلی مهربان و خوشرو بود. در ورزش هم با هم بودیم. خاطره او از یادهای خوبم است. راستی، هیماواری گل تابستان است. (مایومی)

زادگاه

در ژاپن رود زیاد است. از آنها، رود نیشیکی را بیشتر دوست دارم. این رود در شهر ایواکونی در ایالت یاماگوچی است. آنجا زادگاهم است. این شهر و رود خیلی قشنگ است. مردم همه مهربانند. زادگاه چیز گرانبها است. (مایومی)

همکلاس

امروز صبح (۱۱ ماه ۸) هم به مدرسه رانندگی رفتم. امروز در آنجا یک پسر دیدم. ما به یک دبستان می‌رفتیم و از سال یکم تا چهارم همکلاس بودیم. پس از دبستان، من به مدرسه راهنمایی نزدیک خانه‌ام رفتم و آن پسر به دوره راهنمایی دور از خانه‌اش رفت. پس دیگر همدیگر را ندیدیم. شاگرد دبستان که بودیم، من از کمی بلندتر بودم، حالا او از من بزرگتر شده اما صورتش هیچ تغییر نیافته است. به زودی او را شناختم. او هم من را شناخت. مثل اینکه من هم هیچ تغییر نیافته‌ام! (مؤتسومی)

گور پدر بزرگ

امروز (۱۳ ماه ۸) از صبح زود خانواده‌ام با ماشین از خانه راه افتادیم. به خانه دایی مادرم (برادر کوچک مادربزرگ) رفتیم. گور پدر بزرگ (پدر مادرم) نزدیک اینجاست. هر سال در ماه ۸ به اینجا می‌آیم و با گل و شیرینی به گور پدر بزرگ می‌رویم. پدر بزرگ را چندان به خاطر ندارم چون وقتی که کوچک بودم مُرد. اما از مادر بزرگ و مادرم شنیدم که با من و برادر بزرگم خیلی مهربان بود. (مؤتسومی)

خانواده‌ام

امروز (۱ ماه ۸) چیزی برای نوشتن ندارم، پس خانواده‌ام را معرفی می‌کنم. در خانواده، پدر و مادر و مادربزرگ و برادر و خواهر هستند. پدرم سخت‌گیر است. مادرم خرده گرفتن و گپ زدن دوست دارد. مادربزرگ کشت کردن دوست دارد و سبزی زیاد می‌کارد. برادر بزرگ دندان‌ساز است. خواهرم دانشجوی دانشگاه ناگاساکی است. خانواده گاهی ناراحت می‌کند، اما برای من نفیس است. (آیکا)

ناگاساکی

در چنین روزی (روز ۹ ماه ۸) در سال هزار و نهصد و چهل و پنج روی ناگاساکی، شهر من،

بمب اتمی افکنده شد. پس ما هر سال در ساعت ۱۱ و دو دقیقه نماز می‌کنیم. هر روز مردم ناگاساکی عکس بمب اتمی می‌بینند. فکر می‌کنم که هر کس در ژاپن باید آن عکس را ببیند. مردم ناگاساکی مخصوصاً صلح جهانی را آرزو دارند. (آیکا)

پدربزرگ

این روز تعطیل (۵ ماه ۸)، بعد از ظهر از خواب بلند شدم. پدربزرگ رخت‌های شسته را خشک کرده بود. آشپزی هم می‌کند. او در میان مردم سالمند نادر است. امسال ۷۴ سالش است، اما هفته‌ای چند روز در شرکت برق کار می‌کند. گواهینامه رانندگی اتومبیل دارد، اما مادر من (دخترش) همیشه می‌گوید: رانندگی پدربزرگ خیلی خطرناک است. من هم این را می‌دانم. (مایکو)

کابوس

خواب ترس آور دیدم. خیلی عجیب و خیلی ترسناک بود. خواب دیدم که دو سال در یک کلاس مانده‌ام. خبیس عرق شده بودم. شاید که حال من خوب نیست. (کازوما)

۱۷۷

بچگی و بزرگی

شب فیلم دیدم. در این فیلم پسر خواست بزرگ بشود و ناگهان بزرگ شد. او خوشحال بود. اما پس از چندی خواست بچه بشود. آدم بزرگ همیشه مشغول است. وقتی که ما بچه بودیم وقت زیاد داشتیم و هر روز بازی می‌کردیم. من هم وقتی که بچه بودم می‌خواستم زود بزرگ بشوم. حالا می‌خواهم به بچگی برگردم. (هیرومی)

آزادی عقیده

ساعت ۳ بعد از ظهر همسایه‌ای به خانه‌مان آمد و با اصرار خواست کتاب مقدس بدهد. او مصر بود، اما من زیر بار نرفتم. عقیده آزاد است. نباید تحمیل بکند. از غروب به دانشگاهمان رفتم و (در باشگاه موسیقی) تمرین فلوت کردم. (ایتسوکی)

آوای موسیقی

صبح پیانو زدم. صدای پیانو خیلی خوب است. نرم است. حالا کوشش می‌کنم که آهنگ نو بزنم. (ریوئکو)

معنی زندگی

گاهی نمی‌دانم که برای چه زندگی می‌کنم. چون درباره آن فکر می‌کنم، می‌بینم که سخت است. زندگی حالا دلپذیر است و خوش می‌گذرانم. اما هنوز چیزی را پیدا نکرده‌ام. شاید که زندگی می‌کنم برای اینکه آن را پیدا بکنم. (آساکو)

ثوبون

امروز (۱۵ ماه ۸) هوا صاف و گرم است، و روز «ثوبون» است. «ثوبون» روزی است که در ژاپن مردگان به خانه خودشان برمی‌گردند. پس مردم خانه‌شان را تمیز می‌کنند، غذاهای خیلی خوب می‌پزند، و گل قشنگ برای مردگان جلوی محراب بودایی می‌گذارند، و همه خانواده جمع می‌آیند و برای مردگان نماز می‌کنند.

راستی، امروز تقریباً روزی است که حدود پنجاه سال پیش جنگ جهانی دوم تمام شد. پدر بزرگ هم برای این جنگ به چین رفت و چند سال آنجا زندگی سخت کرد. سپس با سربازان خودی به ژاپن برگشت چون جنگ تمام شد، و با مادر بزرگم که پدر بزرگم را صبر می‌کرد عروسی کرد. اگر پدر بزرگ در آن جنگ کشته شده بود، من هرگز به این دنیا نمی‌آمدم. (میکا)

۱۷۸

اندیشه ژاپنی

ای آنکه نتیجه چهار و هفتی

برای ژاپنی‌ها، «عدد» معنی خاص دارد و از قدیم آن را سرنوشت ساز می‌دانسته‌اند. بهترین عدد ۸ است که شگون دارد و سعادت می‌آورد، در برابر ۴ که بدیمن شناخته می‌شود و یکی از تلفظ‌های آن که «شی» است معنی مردن هم دارد. ماه ژانویه سال ۱۹۷۴ که نخستین بار به ژاپن آمدم، چندی در هتل «اوکوژا» که مهمانخانه مجللی است در محله آکاساکا در مرکز اداری - تجاری توکیو، منزل گرفتم و ورودی هتل، ناهارخوری، فروشگاهها و تالارهای پذیرایی آن در طبقه‌های پایین و اتاقهای مهمانان در طبقه‌های بالا است. روزهای اول که به آسانسور سوار می‌شدم. می‌دیدم که از طبقه ۱ به ۲ و ۳ و سپس به ۵ بالا می‌رود و پایین می‌آید، و در صفحه کلید آن هم نشانی از ۴ نیست. فکر کردم که طبقه ۴ باید تالار یا فضای ویژه‌ای باشد که برای آن راه مخصوص و آسانسور جداگانه گذاشته‌اند. اما چون چنین چیزی نیافتم و کنجکاویم بیشتر شد، از مدیر پذیرایی هتل حکمت این کار را پرسیدم. گفت که طبقه چهارمی وجود ندارد، چون ژاپنی‌ها ۴ را بدیمن می‌دانند و در این مهمانخانه هم بالای طبقه ۳ طبقه ۵ است و بعد ۶ و ۷... و مطمئن‌اند که اگر چهارمین سطح بنا را طبقه ۴ بخوانند، نه کسی تالارهای آن را برای مجلس جشنی می‌گیرد

و نه چندان حاضر خواهند بود که در اتاقهای آن منزل کنند.

ردیف شدن چند شماره در کنار هم نیز برای ژاپنی‌ها اهمیت و گیرایی دارد. اکنون (۱۹۹۹/۱۳۷۸) سال یازده دوره «هی سی» به تقویم ژاپنی است (یازدهمین سال برتشتسن امپراتور کنونی). باید منتظر بود و دید که روز ۱۱ ماه ۱۱ امسال در ساعت ۱۱ و ۱۱ دقیقه چه مراسمی برگزار می‌شود و کدام نوزاد خوشبختی در این لحظه، که بیش از ده «یک» ردیف شده در کنار هم زمان را نشان می‌دهد، پا به عرصه وجود می‌گذارد. چهار سال پیش، در سال ۷ «هی سی»، در روز ۷ ماه ۷، چند خبر درباره چند زن ۷۷ ساله بود. در اخبار این روز خانم جونکو موری اهل ایالت واکایاما را معرفی کردند که هفتاد و هفت سالگی خود را جشن می‌گرفت. در روز ۷ ماه ۷ سال ۷ دوره «تایشو» (۱۹۱۸) به دنیا آمده بود، و اکنون در این روز فرخنده به مرکز پاجینکو (دستگاهی که در آن گویهای فلزی را، با فشار تکم‌ای از بالا به پایین بر صفحه‌ای عمودی می‌غلطانند، و آنکه بتواند گویهای بیشتری را از موانع بگذراند و به مخزن جلوی خود برساند برنده است) رفت و ۷۷۷ دور بازی کرد. هفتصد و هفتاد و هفت هزار بار آفرین بر او! مردی از اوساکا هم به نام «شیواتانی کی هیچی» که نامش هم با ترکیب هفت ساخته شده است، خبرساز بود. او هم در روز ۷ ماه ۷ سال ۷ «تایشو» به دنیا آمده و هفتاد و هفت ساله بود. نوه‌اش، که او هم مشخصاتش هفت چینی از هفت بود، به پدربزرگ گل داد. معاملات بازار سهام ژاپن هم در این روز رونق بی‌سابقه داشت، قیمت سهام به طور غیرمعمول بالا رفت و نزدیک ۹۰۰ میلیون ین، دو تا سه برابر روزهای عادی، معامله شد که این تغییر به احتمال، اثر اعتقاد قماربازان سهام به شگون یا اججاز عدد هفت بود.

هفت برای ما ایرانی‌ها معنی خاص دارد. به هفت آسمان و هفت شهر عشق و هفت خم خسروی و هفت دستگاه موسیقی... و هر چه هفت در این دنیا است دل بسته‌ایم و می‌بالیم. دیو و اژدهامان هم هفت سر دارد (و دیو درونمان هفتاد سر) و شاهنامه هم هفت خان. از سالهای کودکیم به یاد دارم که بر صفحه‌ای از تقویم دیواری در خانه که بارگاه حضرت ثامن (ع) در مشهد را نشان می‌داد، نوشته بود:

یک طواف سرقدش فرموده پیغمبر است

هفت هزار و هفتصد و هفتاد حج اکبر است

اما در شأن و شرف و شگون، هیچ عددی پایه و منزلت هشت را نزد ژاپنیان ندارد. سعد بودن این عدد، را یکی برای نمای آن می‌دانند، که به صورت ۸ فارسی اما با کمی فاصله دو بر از هم نوشته می‌شود. می‌گویند که چون دو بر آن به سوی پایین باز شده، نشان گشادگی، و امید کار و سعادت است. گویا کلمه برنج، دانه‌ای که در ژاپن مظهر فراوانی و نعمت است، در معنی نگاری

چینی از دو هشت، که یکی معکوس بالای دیگری آمده با یک عدد ده (به شکل «+») میان این دو که هشت‌ها را به هشت خانه قسمت می‌کند، در واقع هشتاد و هشت را نشان می‌دهد (هشت × ده + هشت)، و نشانهٔ خیر و برکت و نعمت و فراوانی است. مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) در سفرنامهٔ ژاپن خود (ص ۱۲۰) در حکمت شگون عدد هشت نوشته است: «از مواصلت ایزاناگی (ماه) و ایزانامی (آفتاب) جزایر ژاپن پیدا شد، و عده‌ای ربّ و ریّه، که قبل از ایشان ارباب دیگر بوده‌اند. ایزاناگی و ایزانامی در آخرند. ربّ آتش که پیدا شد ایزاناگی درگذشت. ایزانامی چون ارفعهٔ یونانی به منزلگاه اموات (هاژوس) در دل زمین رفت که معشوق خودش را برگرداند، دنبال ایزاناگی را گرفت که برگردد. می‌بایست از ارباب اجازه بخواهد، قدری به طول انجامید. دنده‌ای از شانهٔ گیسویش را شکست آتش زد و وارد حوزهٔ ارباب شد (هشت ربّ رعد). از آنجا هشت در شمار عقد مقدس شد، چون شش - که عقد مقدس آئینو مردم بومی ژاپن است.»

علم کرد بر طاق بستان سرش

از مایه‌های پیشرفت ژاپن یکی اینست که این مردم اهل تجربه و تحقیق‌اند. پژوهش برای ابداع و پیشرفت رمز تعالی ممالک صنعتی و ملل مرقه امروز است. ارقام باور نکردنی در کار تحقیق و تجربه خرج می‌کنند، و آنها که در این کار دست و دلبازترند پیشروترند. تجربهٔ علمی منحصر به آزمایشگاه‌های مجهز و دانشگاه‌های بزرگ و شرکت‌های تولیدی و صنعتی معتبر و دولت‌های دولتمند نیست، بسیار می‌شنویم که کشاورزی در یک گوشهٔ ژاپن با بهره‌گرفتن از تجربهٔ دیگران و دنبال کردن و تکمیل آن ۱۲۰ نوع انگور بار آورده، کشاورز دیگری نوع تازه‌ای از توت فرنگی پرورش داده که شیرین‌تر و خوش‌رنگ‌تر است، و دامداری با سالها تجربه و آزمایش نتیجه گرفته است که اگر آهنگ خاصی را در فضای گاوداری پخش کنند گاوها بهتر و بیشتر شیر می‌دهند. یکی از تحقیق‌های دیرین و دنباله‌دار ژاپنی‌ها در کارآیی و اثر مترسک‌های سر جالیز و کشت است، که انواع آن را - از نوارهای رنگی گرفته تا بادکنک‌های الوان آلومینیومی - آزموده‌اند. از وسایل قدیمی برای گریزانندن گنجشک‌ها و دیگر پرنده‌ها از کشتزارها و بوستانها نواختن طبل یا کوفتن به پیت‌های حلبی، دود به هوا فرستادن با آتش زدن علف و ساقه‌های گیاه، و آویختن کله ماهی بر سر چوبی در کشتزار است (ژاپنی‌ها خر ندارند و جمال این حیوان باربر زحمتکش صبور را فقط در باغ وحش می‌بینند). ابداع‌های تازهٔ جایگزین وسیله‌های قدیم، مانند چشم‌های الکترونیکی، ترقه و موشک و دستگاه‌های ایجاد صدای هراس‌آور مانند غریو و توفان و بانگ زاغ و بسیاری چیزهای دیگر نیز جای خود را باز کرده است. اما هنوز هم مترسک ساختن به شکل آدمیزاد و علم کردن آن سر صیفی‌کاری و بستان رفتن به معبد و گرفتن تعویذ و دعا برای

ایمن ماندن از آفات ارضی و سماوی کارهایی است از روی اعتقاد استوار.

باران

ژاپنی یا باران قهر و مهری به تناسب احوال دارند. در این سرزمین سرسبز پر باران، چنانکه طبیعت بشر است قدر این نعمت آسمانی را چندان نمی‌شناسند، چنانکه قدر سبزه و درخت را. فصلی هم بیرون از چهار فصل مرسوم دارند که «فصل بارانی» می‌گویند. هنگام آن یک ماهه تیر و نیمه نخست مرداد است، که در لحاف کهنه فلک شکاف می‌افتد یا آسمان همچون آب‌کشی سوراخ می‌شود و شرشر باران موسیقی آشنای این روزها و هفته‌ها است. در پی آن فصل گرم‌تر می‌آید و سپس توفانها یکی به دنبال دیگری از راه می‌رسد و گه‌گاه بارانهایی سیل آسا می‌آورد. می‌گویند که همه سال در موسم توفانها، که تابستان تا آغاز پاییز است، کم و بیش ۲۳ توفان از ژاپن می‌گذرد. ژاپنی‌ها برای بند آمدن باران دعا و تعویذهای گوناگون دارند، که معمول‌ترین آن عروسکی پارچه‌ای است که زنها و دخترهای خانه می‌سازند و بر چهره آن حروفی به نگاره چشم و ابرو و دهان نقش می‌کنند و کنار پنجره می‌آویزند. خشکسالی هم هر چند یکبار پیش می‌آید، و در این سرزمین کوچک که همه سوی آن دریا و همه جای آن سبز است، آب شیرین برای خوردن و مصارف خانگی و کشت و زرع، کمی می‌شود. باران در امثال ژاپن هم جای خاص دارد، و بیشتر نمودار چیزی ناخوشایند است. برای آرام کردن و دل دادن به کسی که به بلا و مصیبتی گرفتار است و روزگار سختی می‌گذراند می‌گویند که «پس از باران، زمین محکم‌تر می‌شود». اگر در روز عروسی باران بیارد، آن را به فال نیک نمی‌گیرند.

کشاورزان عقیده دارند که پرواز پرستوها در ارتفاع کم نشانه آمدن باران است. در این عصر «فن‌آوری» که ژاپنی‌ها در آن پیشتازند، پنداری که این مردم هنوز از باران وحشت دارند. در اعلام هوای روز در بخش خبرهای رادیو و تلویزیون، اگر هوا خوب باشد گوینده مژده می‌دهد که «نگرانی باران وجود ندارد!»

در ایران، برعکس سرزمین آفتاب عقیده دارند که اگر شب عروسی باران بیارد، رزق و روزی عروس و داماد فراوان خواهد شد و خداوند اولاد زیاد به آنها اعطا خواهد کرد (ابراهیم شکورزاده، آداب و رسوم مردم خراسان، ص ۳۴۴). نیز، مانند مردم قدیم ژاپن، می‌گویند که اگر باران روز شنبه آغاز شود، تمام هفته خواهد بارید (همانجا).

ترقی ژاپن

یادی از ماتسوشیتا

اگر یکی از موجبات ترقی و تعالی صنعتی و تجاری ژاپن را در عصر جدید وجود معدودی

مردان با عزم، مبتکر، کوشا و پویا بدانییم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. ژاپنیان اینان را مردان دوره میجی (دوره تجدد ژاپن در عهد امپراتور میجی، سالهای ۱۸۶۸ تا ۱۹۱۲) یا از آن خمیره می‌شناستند. این ابرمردان سکان کشتی توفان دیده و بادبان دریده ژاپنی‌ها را در سالهای پس از جنگ جهانی دوم به دست گرفتند و با آگاهی به مایه و توانهای آشکار و نهفته خود و مردم میهنشان و درک و دریافت درست نیازها و جریانها و شناختن نبض زمان همراه همت و کوشایی، اقتصاد ژاپن را از راه پر بیم و بستر پر هراس به سوی افق روشن راهبری کردند. نمونه بارز این مردان پر مایه خود ساخته کونوسوکه ماتسوشیتا Konosuke Matsushita بنیادگذار صنایع الکترونیک «ناسیونال» ژاپن است، که ده سالی پیش (در ۲۷ آوریل ۱۹۸۹) در نود و چهار سالگی درگذشت. او که از خانواده‌ای فقیر برآمده بود، بزرگترین مجتمع سازنده وسایل برقی خانگی ژاپن را ایجاد کرد، و از ثروتمندترین مردان این کشور شد. زندگی او با تاریخ پیشرفت صنعتی ژاپن پیوند دارد.

شرکت صنایع برقی ماتسوشیتا که او در سال ۱۹۱۸ بنیاد کرد، نمونه‌ای است از بنگاههای صنعتی شبه خانواده ژاپن که پایه و مایه ترقی اقتصادی این کشور در نیم سده گذشته شناخته شده است. ماتسوشیتا شرکت تولیدی خود را با سه کارمند و سرمایه‌ای حدود ۵۰ دلار با تولید سرپیچ لامپ که خودش طراح آن بود آغاز کرد. این شرکت امروزه بیش از ۱۴۰۰۰ قلم وسایل گوناگون از لامپ روشنایی گرفته تا تلویزیون و ادوات کامپیوتر و دستگاههای مخابراتی می‌سازد، و بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر در شبکه گسترده تولید و توزیع آن کار می‌کنند. او با بینش وسیع و درک درستی که از اقتضای زمان داشت می‌گفت که به نیروی کار باید انگیزه داد تا خود را از دستگاه تولید جدا ندهند و با آن پیوستگی معنوی و عاطفی نیز داشته باشد. بر این عقیده بود که مردم از روی طبع نیاز دارند که توان و جوهر خلاق خود را به جامعه و محیط فعالیت پیوند دهند، و بنگاههای اقتصادی اگر خوب سازمان داده و هدایت شود می‌تواند زمینه و وسیله چنین پیوندی باشد. از سوی دیگر، سود به جای آنکه مایه ارضای حس طمع سرمایه‌گذار باشد، باید نشان قدرشناسی و اعتماد جامعه مصرف‌کننده برای ارزش و فایده و کارایی اقسام ساخته شده شناخته شود.

پیوند احساسی کارکنان صنایع برقی ماتسوشیتا با بنگاه کارفرمای خود در سرود صبحگاهی که می‌خوانند، و هفت رهنمود ارزشهای بنیادی آن که هر روز بر زبان می‌آورند، و مرخصی کمتر از حد استحقاق که می‌خواهند نمود پیدا می‌کند. در برابر، ماتسوشیتا هم کوشیده است تا امنیت شغلی آنان محفوظ بماند و امکانات رفاهی هر چه بیشتری برایشان فراهم باشد که از آن میان است واگذاری خانه به آنها و ایجاد ورزشگاه، بیمارستان، و مدرسه برای خانواده‌شان و دادن

کمک هزینه عروسی. این تدابیر نمونه پرداختن همه جانبه به نیاز کارکنان است، که در ژاپن «ماروگاکا» خوانده می شود. تلاش بر این بوده است که کساد بازار و افت اقتصادی سالهای اخیر اثری هر چه کمتر در این بافت و پیوند دیرین داشته باشد. اما واقعیت های زمان و از آن میان فردگرایی بیشتری که در جوانها پیدا آمده است خواه ناخواه دگرگونی هایی به دنبال خواهد داشت. ماتسوشیتا خود نیز در سالهای آخر زندگی با افسوس گفت که در ژاپن هم، شاید که بر اثر رفاه فزاینده، منافع جمعی در برابر امیال فردی رنگ می یازد، و انگیزه نفع شخصی سهم بیش از اندازه در کار و رفتار مردم پیدا می کند.

ترقی ژاپن

پیشرفت اقتصادی حیرت انگیز ژاپن در نیم سده پس از جنگ از مباحثی است که ذهن جهانیان را به خود داشته و این مردم جزیره نشین را محسود غربیان فن آور و پیشتاز ساخته است. هر چند که توسعه اقتصادی ژاپن در دهه پایانی سده بیستم از شتاب افتاده و حال و هوای کساد تجاری و به خصوص بحران بانکی دامنگیر آن شده، اما بنیه اقتصاد و صنعت آن هنوز پر مایه و بالنده است. موجبات ترقی چشمگیر ژاپن را که در پایان دهه ۱۹۸۰ در اوج خود بود، چنین بر می شمارند:

سرمایه گذاری: نرخ سرمایه گذاری ژاپن از منابع داخلی در پایان دهه ۱۹۸۰ برابر ۲۴ درصد تولید ناخالص ملی آن بوده، حال آنکه نرخ آن در ممالک متحده آمریکا ۱۶ درصد بوده است. پس انداز: ذخیره پولی مردم ژاپن نیز در آن سالها ۲۸ درصد تولید ناخالص ملی اش بوده است، و در ممالک متحده آمریکا به نسبت نیم آن. نیروی کار: شاغلان ژاپن به حد اعلی منضبط، تعلیم دیده، سازنده و صاحب فن، و دانش آموخته اند.

مدیریت: ژاپن از نیروی مدیریتی پر توان، کارآمد و مجرب بهره دارد. مدیران ژاپنی با تلاش در عرصه رقابت داخلی و بین المللی می آموزند که پیوسته در تکاپوی بهتر کردن کیفیت محصول و کاستن از هزینه تولید باشند.

پس انداز و سرمایه گذاری هر چه بیشتر مایه افزایش موازنه تجاری ژاپن در این سالها بوده، و پیداست که چرا رقبای تجاری آن اصرار دارند که مردم این کشور خود را به مصرف بیشتر و پس انداز کمتر عادت دهند.

ساخت ژاپن

کیفیت بالای ساخته های صنعتی ژاپن چنان آزموده و پذیرفته شده است که عبارت «ساخت

ژاپن» بر کالایی حکم بی چون و چرای مرغوبیت آن شناخته می‌شود. هاجیمه یاماگاتا در کتابش با عنوان «ژاپنیهای نادلپسند» (نشر ۱۹۷۹) در فصلی زیر نام «ساخت ژاپن» نوشته است: فرآورده‌های ژاپن بیش از حد ممتاز است. بر روی هم، مردم ژاپن دستان پر هنری دارند، و طبعی حساس. سوای فایده و کاربرد، نمایی کالا هم برایشان اهمیت دارد. ژاپنی‌ها معمولاً چیزهایی را که خوش نما نباشد نمی‌خرند. اما در خریدن چیز گرانتتری که کیفیت بهتر دارد، تردید نمی‌کنند. از قدیم، مردم بر این گمان بوده‌اند که هیچ ارزانی بی‌علت نمی‌شود. بنا به رسم، فروشگاههای بزرگ ژاپن هم به ملاحظه این روحیه مردم قیمت‌هاشان را پایین نمی‌آورند، و مردم اگر هم کالای مشابه را در جای دیگر ارزانتر ببینند، باز به گرانتر خریدن آن در فروشگاه بزرگ معتبر راضی‌اند.

دقت ژاپنی در بهتر ساختن کالا و بی‌نقص در آوردن آن گاه به مبالغه می‌کشد، و این کار هزینه تولید را هم بالا می‌برد. نمونه‌اش را در ساختن آسانسور می‌توان دید. سعی سازنده‌ها بر این است که حرکت آن هر چه نرم‌تر و نامحسوس‌تر و شکاف میان کف اتاقک آن و سطح راهرو هنگام باز شدن در هر چه کمتر باشد. همین حساسیت در ساختن بسیاری وسایل دیگر هم، از ابزارهای کوچک گرفته تا اتوموبیل و ترن، هست. نما و ظاهر و زیبایی محصول هم، بسیار بیش از آنچه که در غرب به آن بها می‌دهند، در اینجا اهمیت دارد. چنین است که قیمت ساخته‌های ژاپن در بازار داخلی گرانتر از محصول مشابه خارجی است.

طریقت بودا

طبقة سوم را اول بساز!

در خبرها بود که شرکت ساختمانی «سه کی سوئی» در اوساكا طریقه‌ای ابداع کرده است که اول سقف بنا را روی کف زمین می‌سازند و بعد آن را با پایه‌های هیدرولیکی بالا می‌برند و درها و دیوارها را می‌گذارند و سپس آن را باز به همین راه بالا می‌برند و در و دیوار طبقه پایین‌تر را کار می‌گذارند و به همین سان تا چند طبقه به ترتیب از بالا به پایین می‌سازند. این روش برای ساختن بنا در محوطه‌های کوچک و احتراز از زحمت کار بردن جرثقیل بسیار خوب است و با این روش می‌توانند ساختمانی مسکونی را در یک هفته بسازند. این خبر یکی از حکایت‌های پندآموز بودایی را به یادم آورد:

«روزگاری مردی بود دارا، اما بی‌خرد. او وقتی خانه زیبای سه مرتبه کسی دیگر را دید، و بر او حسد برد و بر این اندیشه که خود در مال و ثروت از آن مرد کم ندارد، خواست تا سرایی مانند آن برای خویش بسازد. او معماری را خواست و گفت تا چنان خانه‌ای برایش بسازد. معمار پذیرفت و بی‌درنگ به کار پرداخت تا نخست خانه را پی بریزد، آنگاه طبقه اول و سپس طبقه

سوم را بر آن بسازد. مرد توانگر که از پیشرفت تدریجی کار ناآرام بود به معمار گفت: «من زیر بنا یا طبقه اول یا طبقه دوم نمی‌خواهم. من همان طبقه سوم خوش نما را دوست دارم. همان را زود برابم بساز.

«مرد نابخرد همیشه فقط نتیجه و یافته کارها را می‌بیند و تاب و حوصله کوششی را که بایسته یافتن نتایج نیکو است، ندارد. هیچ بهره شایسته بی تلاش بایسته به دست نمی‌آید، چنانکه بی ساختن پایه و طبقه‌های اول و دوم، طبقه سوم را نتوان ساخت.» (چنین گفت بودا، ص ۱۴۱).

دشواریها در راه «معرفت»

در تعالیم بودا آمده است که جویندگان معرفت باید که نخستین قدم‌ها را در راه مقصود به دقت بردارند. شوق و آرزو در دل جوینده هر چه هم زیاد باشد، این راه را باید قدم به قدم پیمود. در همان آغاز راه «معرفت» بیست دشواری در برابر است که باید آن را از پیش رو برداریم: ۱ - برای مرد نادار، بخشنده بودن دشوار است. ۲ - برای مرد مغرور، آموختن طریق «معرفت» دشوار است. ۳ - جستن معرفت به بهای جان باختن، دشوار است. ۴ - متولد شدن به هنگامی که بودا در این جهان باشد، دشوار است. ۵ - شنیدن تعلیم بودا دشوار است. ۶ - پاک نگاه داشتن اندیشه از آرایش‌های تن دشوار است. ۷ - هوس و آرزو نمودن چیزهای زیبا و فریبنده دشوار است. ۸ - برای مرد زورمند، به کار نبردن نیرویش در راه ارضای خواسته‌ها دشوار است. ۹ - آرام ماندن به هنگامی که آدمی را دشنام و بدرفتاری رسد، دشوار است. ۱۰ - کار ناشایست نکردن به هنگامی که انسان به موجبات ناگهانی برانگیخته شود، دشوار است. ۱۱ - خود را به مطالعه وسیع و دقیق واداشتن دشوار است. ۱۲ - کوچک شمردن مبتدی راه، دشوار است. ۱۳ - فروتن داشتن خویش دشوار است. ۱۴ - یافتن دوستان خوب دشوار است. ۱۵ - تاب آوردن انضباط بایسته برای رسیدن به «معرفت» دشوار است. ۱۶ - تزلزل و تأثیر نپذیرفتن از اوضاع و احوال محیط دشوار است. ۱۷ - تعلیم دادن دیگران به تناسب استعداد آنان دشوار است. ۱۸ - سلیم و آرام نگاهداشتن اندیشه دشوار است. ۱۹ - مجادله نکردن درباره درست و نادرست، دشوار است. ۲۰ - یافتن و آموختن روش خوب دشوار است.

جامعه و فرهنگ

یادی از، آکوتاگاوا

یکی از نویسندگان برنامه‌های تلویزیونی ژاپن که دو سال پیش جایزه تولید تلویزیونی را

بود، در مصاحبه‌ای از خاطره‌اش با ریونوسو که آکوتاگوا (Akutagawa ۱۹۲۷-۱۸۹۲) نویسنده نامی ژاپن یاد می‌کرد، و گفت که یکبار در میان صحبت با آکوتاگوا (سخن از معنی «وین» در میان آمد، او گفت که وین در زبان کالتیک معنی دارد، پس آکوتاگوا پرسید که کالتیک چیست و این بنده خدا گفت که نمی‌داند (و هنوز هم نمی‌داند که چیست). آکوتاگوا گفت که این مهم‌ترین چیز است که آنچه را که نمی‌دانی مطرح کنی. گوینده، نتیجه گرفت که این حرف آکوتاگوا در او سخت اثر کرد و از آن پس دقت داشته است که در نوشتن گفتار تلویزیونی هیچ سخن را پیش از تحقیق به میان نیاورد.

آثار ناتمام کاواباتا

به تازگی دست نوشته‌های ناتمام مانده از یاسوناری کاواباتا Yasunari Kawabata (۱۸۹۹-۱۹۷۲) نویسنده پرآوازه ژاپن و برنده نوبل در ادبیات، در خانه او در کاماکورا نزدیک توکیو یافته شد. گفته‌اند که پیدا شدن این دست نوشته‌ها، که ۶ داستان است که کاواباتا به پایان نرساند، پرتو تازه‌ای بر احوال و آثار کسی که شاگرد دیرینش و نویسنده معروف ژاپن یوکیو میشیمای او را «مسافر ابدی» خواند، خواهد افکند.

۱۸۶

سه تا از این داستانها «تپه سعادت»، «درختها سبزند»، و «چشم» نام دارد، اما سه تای دیگر عنوانی ندارد. این داستانهای کوتاه ناتمام از ۴۰۰ تا ۶۰۰ کلمه ساخته شده و قرار است که در شماره ماه ژوئن ۱۹۹۹ مجله ادبی «شین چو» منتشر شود. در همین شماره، دفتری منتشر نشده از کاواباتا هم خواهد آمد، که در آن او پس از مرگ میشیمای در سال ۱۹۷۰ خود را «زندانی در انتظار مرگ» خوانده است. این سخن، خودکشی کاواباتا در سال ۱۹۷۲ را پیشگویی می‌کند.

خانه دازای

خانه‌ای را که اوسامو دازای Osamu Dazai (۱۹۴۸-۱۹۰۹) نویسنده پر احساس ژاپن سالهای کودکیش را در آن گذرانده بود امسال بازسازی کردند و به وضع نخستین در آوردند. این خانه به تازگی در مراسمی با حضور دختر دازای برای دیدار مردم گشوده شد. پدر دازای این خانه را در زمینی وسیع و به سبک آمیخته ژاپنی و اروپایی، در سال ۱۹۰۸ ساخت، و این خانه چند سالی نیز به مهمانخانه بدل شده بود. شهرداری محل حدود ۵۰۰ میلیون ین (بیش از ۴ میلیون دلار) برای بازسازی این خانه و جمع آوردن و به نمایش گذاردن یادگارها و لباسها و اسباب کار او و زینت‌های دیگر خرج کرده است.



● بادبزن ژاپنی

شعری از بونمی

این هم شعرِ پر لطفی است از بونمی تسوجیا Binmei Tsuchiya (۱۸۹۱ - ۱۹۹۰) که حدود هشتاد سال پیش رستم و سهراب فردوسی را به ژاپنی در آورد، و یکصد سال در این سرای کهن زیست:

در نور ماتِ مهتاب دمدمه صبحِ نشاطات فرنگی
یادم آمد از کسی که دوستش نمی‌داشتم
شگفتا که برای او، که دیگر در این دنیا نیست، دل‌تنگ شدم.

بادبزن ژاپنی

بادبزن برای مردم نسل گذشته ژاپن یادآور صحنه‌هایی از زندگی و مهر و مهمان‌نوازی بود. چون در روزی گرم، مهمانی خسته از راه می‌رسید، میزبان نوشیدنی سرد برایش می‌آورد، و همچنان که به صحبت می‌نشستند، کسی از اهل خانه بادبزن در دست، مهمان را نرم نرم باد می‌زد. برای این کار بادبزنی دسته‌دار که اوچی و Uchiwa می‌نامند به کار می‌رفت. در بادبزنهای ما، پرده بادبزن حصیری برکناری از چوب وصل است، اما صفحه کاغذی اوچی و را دایره‌وار بر سر چوب نشانده‌اند. بادبزن تاشو را، که دسته‌اش همان پایین پره‌های، بادبزن است، سِنسُو Sensu

می‌گویند. نقاشان سیاه قلم یا آبرنگ ژاپنی و خوشنویسان هنرشان را روی این بادبزنها نشان می‌دهند. در شعری از کوسون اوتا Kusun Ota می‌خوانیم:

بادبزنی با نقشی زیبا انتخاب کردم
تا از راه رسیده‌ای را که دوستش دارم
با آن پذیرا شوم.

بادبزنی از دیر باز جزئی آشنا از زندگی بوده، و از همین روست که برایمان چنین دلپذیر می‌نماید. بادبزنها را در روزگار قدیم از برگ نخل می‌ساختند. رفته رفته بادبزنها را از علف و ساقه‌های گیاه بافتند. می‌گویند که بادبزنی نخست در مشرق زمین پیدا شد. بادبزنی از گونه‌های یوگی Hiyogi که در حفاری ویرانه‌های هی‌جوکیو Heijokyo، پایتختی در اوایل سده هفتم میلادی در حومه شهر کنونی «نارا» به دست آمد، از هشت باریکه چوب سرو ژاپنی درست شده است. ژاپنی‌ها این بادبزنها را در مراسم زمستانی به کار می‌بردند، و تابستانها بادبزنها را کاغذی در دست می‌گرفتند.

سواي کاربردهای آئینی بادبزنی و استفاده از آن در زندگی هر روزه، مکتب‌های گوناگون هنری بادبزنی‌هایی به ذوق خود انتخاب کرده‌اند که حالت نمادین دارد، مانند آنکه در «یکه ماری» (توپ زدن با پا میان چند نفر که می‌کوشند توپ را به یکدیگر رد کنند چنانکه به زمین نیفتند، و گونه‌ای بازی درباری بود و هنوز از نمایش‌ها و جاذبه‌های شماری از معابد ژاپن در نورو است)، «کودو» (آئین بوییدن عطرها)، آیین چای، و نمایشهای ژاپنی «نوه» و «کابوکی» می‌بینیم.

نقالان ژاپنی که دو زانو بر تشکچه، و گاه پشت میز کوتاهی (میز میرزایی قدیم خودمان) در برابر بینندگان می‌نشینند و رفتار و احوال گروه‌های مختلف اجتماع را ماهرانه تقلید و انتقاد می‌کنند، همه بادبزنی تاشو در دست دارند که آن را به راههای شگفت‌انگیز بسیار در کار می‌آورند. این بادبزنی در دست آنان، به مناسبت داستان و سخن، جای قلم، چیق ژاپنی، چوبدست، کاغذ، نامه، کتاب، چوب غذاخوری، بالش، شمشیر و بسیاری چیزهای دیگر را می‌گیرد و نمایی از صحنه تصویر شده در ذهن بینندگان می‌سازد.

ماتسوئو باشو Matsuo Basho (۱۸۴۸ - ۱۷۶۷) شاعر صاحب‌دل «هایکو» سرای ژاپن در قطعه‌ای می‌گوید:

نسیمی دلپذیر از کوه فوجی می‌وزد.
نفخه‌ای از آن را اگر می‌شد بر بادبزنی تا شویم به اِدو (توکیو) ببرم،
بهترین ره آورد بود.

هوا که رو به گرمی می‌رود، در هر گوشه و کنار، از اتاقهای انتظار طبیبان گرفته تا مجلس ملی

ژاپن و بر نیمکت قطار و در کوری و گذر، بسیاری را می‌بینید که بادبزین گشوده در دست می‌چرخانند تا اندکی از سختی گرما بکاهند. بادبزین باز شده برای ژاپنی‌ها نشان گشایش و امید کارها هم هست، و بسیاری دیوارها را با نقش بادبزین گشوده زینت می‌دهند. قدیم‌ترها بادبزین تاشو بیشتر در کار بود. باد ملایم این بادبزین ظریف و سبک، نرم بر پوست می‌نشیند و تن را خنک می‌کند. در روزگاری که خنک کننده‌های برقی امروزه نبود، ژاپنی‌ها هم مانند مردم نسل گذشته ایران روز و شبهای آسودن در خانه را بادبزین به دست می‌گذراندند. اما ایوان و سکوه‌های خانه‌های قدیم ژاپنی که نشستن و آسودن در آنجا با بادبزنی چرخان در دست، صفایی داشت، با رواج ساختمانهای سبک جدید کم‌کم از یادها می‌رود. بادبزینهای برقی هم دیگر کهنه شده و دستگاههای سرما ساز جای آن را گرفته است.

در یک «هایکو» سروده هیساجو سوگیتا می‌خوانیم:

توی پشه‌بند،

بادبزینهای دستی

تند در چرخش است.

برای جوانهای امروزه ژاپن، چنانکه برای نوسالان شهری کشور ما، تصور اینکه مردم ساعات آسودن تابستان را در پشه‌بند سر می‌کردند، دشوار است. از پشه‌بند هم کمتر نشان می‌بینیم.

قطعه شعری بادبزین را با عشق مادری پیوند داده است:

کودک هم اکنون به خواب رفته، اما

مادر، بادبزین در دست،

بر بالینش نشسته است.

(با بهره بردن از ستون «سخن روز» در روزنامه آساهی، ۱۲ اوت ۱۹۹۱)

خاطره

عمومی دانشمند اپراتور ژاپن

نمایشگاه عکس‌های ایران هنرمند نامی ژاپن، استاد بانری نامیکاوا، در پاییز گذشته (۱۳۷۷) در چند شهر بزرگ ژاپن برگزار شد. سعادت یار شد که این نمایشگاه چند روزی هم در اوساکا و کیوتو بود، و نگارنده توانست خود را در فضای آشنای ایران ببیند.

استاد بانری نامیکاوا (متولد ۱۹۳۱ در توکیو) که هر شیفته هنر عکاسی در سراسر جهان با نام بلندش آشنا است. از دهه ۱۹۶۰ که به باروری و بالندگی هنر خود رسیده بسیاری جوایز جهانی را نصیب خویش ساخته، نمایشگاههای بسیار برگزار کرده و شاگردان فراوان در دانشگاههای

هنری ژاپن و خارج آن بار آورده است. دوربین عکاسی در دستان پر هنرش به راستی به جعبه جادو بدل می شود، و چشم شیشه‌ای آن تصاویری جاندار و گویا بر صفحه دل می نشاند.

نمایشگاه امسال استاد نامیکاوا با عنوان زیبای «اصفهان، در هاله رمز و راز آبی خاموش آسمان» به تصاویر مسجدهای اصفهان اختصاص داشت، و بیشترین و گیراترین نمونه‌ها از مسجد جامع و مسجد امام بود.

بانری نامیکاوا در از کار در آوردن عکس‌های زنده و روشن در قطع‌های بسیار بزرگ که سراسر دیوار تالار نمایش را می پوشاند و اهل فن را شگفت زده می کند، استاد است. این بار عکس‌هایی هم با قطع بزرگ روی صفحه شیشه‌ای به نمایش در آمده بود، که با نوری که از پشت به آن می تابید جلوه و جاذبه وصف ناشدنی داشت.

دو ساعتی در فضای نمایشگاه محور زیبایی عکس‌ها بودم، و پیش از بازگشتن خواستم که به سابقه آشنایی با خالق این زیبایی‌ها دیداری تازه کنم. تا به دفتر نمایشگاه پیغام فرستادم، بی درنگ آمد و با محبت تمام از خاطرات گذشته گفت و از کارها و فعالیت‌های تازه‌اش. خوشبختانه دیدارهایش از ایران در این سالها روبه فزونی است و این نوید می دهد که زیباییهای بیشتری از ایران در نمایشگاه‌هایش به جلوه در آید. یک ساعتی با استاد نامیکاوا و همسر هنر دوستش که تازه با هم از سفر ایران بازگشته بودند از این سرزمین جادویی و مناظر و زیباییهای آن و جاذبه‌هایی که در هر دیدار تازه به چشم می نشیند گفت و گو داشتیم. این دیدار و صحبت دلپذیر خاطرهای را از ۲۵ سال پیش در ذهنم زنده کرد.

چند ماهی بیشتر از آمدنم به توکیو نمی گذشت که در بهار یا تابستان ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) به مراسم گشایش نمایشگاه عکس‌های ایران بانری نامیکاوا در یکی از گالریهای بزرگ توکیو رفتم. مجلسی پر شکوه بود و مناسبتی شوق انگیز. عکس‌های هنری نامیکاوا همه را مسحور کرده بود و کسی از تماشا دل نمی کند. بینندگان هنرشناس دقیقه‌ها بی اختیار در برابر عکس می ایستادند و غرق زیبایی و گیرایی آن می شدند. اما چون هنگام گشایش مجلس و سخنرانیهای رسمی رسید، بر خلاف تصورم نه فقط حال و هوای دلپذیر محیط از دست نرفت، که صد چندان شد، زیرا که میهمان افتخاری این مجلس، شاهزاده میکاسا برادر امپراتور آن روز و عموی امپراتور کنونی ژاپن به فارسی زیبا و روان بیان سخن کرد و چند دقیقه‌ای درحالی که دعوت شدگان همه خاموش و مجذوب مانده بودند هر آنچه را که شایسته و زیننده چنین مناسبتی است به زبان شیرین فارسی گفت.

از فارسی دانی پرنس میکاسا چیزی نشنیده بودم، و سخن فارسی این شاهزاده دانشمند به راستی بر دل نشست. به پرس و جو برآمدم و از ایرانشناسان ژاپنی شنیدم که شاهزاده، که امروز بزرگ سنی خانواده سلطنتی ژاپن است، خاورشناس دانشور و پوینده‌ای است و به ضرورت

کارهای پژوهشی خود، خاصه در زمینه باستانشناسی و با دلبستگی بسیار به تمدن کهن ایران، ناگزیر چند سالی پیشتر به آموختن فارسی پرداخته و تا آنجا پیش رفته است که در مجلسی رسمی به زبان فارسی سخن گوید.

شاهزاده میکاسا پس از جنگ جهانی دوم دل و همت بر علم و تحقیق نهاد. ابتدا به تاریخ مسیحیت و آغاز آن علاقمند شد، و سپس به مطالعه تاریخ خاور باستان که مهد تمدن است پرداخت. در آن سالها، خاور و تمدن آن جز در حوزه‌های علمی شناخته نبود، و مردم ژاپن باختر آسیا را سرزمین قالی و هزار و یکشب می‌شناختند. شاهزاده میکاسا از پیشگامان خاورشناسی ژاپن بود و نیز از بنیانگذاران انجمن خاورشناسی ژاپن و نخستین رئیس آن. هنوز هم ریاست افتخاری این انجمن را دارد و در مجالس آن شرکت می‌کند. نیز، در دوره‌های خاورشناسی دانشگاهها شرکت کرده و چند کتاب درباره خاور زمین انتشار داده و بارها به این کشورها سفر کرده است. آکادمی فرانسه چند سالی پیش به ملاحظه پایگاه علمی پرنس میکاسا، این شاهزاده دانشمند را به عضویت گرفت. شاهزاده میکاسا در کتاب «خاورباستان و من» از پیوند خود با ممالک خاوری و خاورشناسی سخن گفته است. گفتارهای هیجدهم و نوزدهم این کتاب درباره سفری دو هفته‌ای به ایران است. در اینجا می‌خوانیم:

«هوایما به سوی تهران می‌رفت. کوه و دریاچه و شهر و آبادی پیش چشم گسترده و همه جا به رنگ خاک سفید قام بود. من که از ژاپن سر سبز می‌آمدم، به دیدن این سرزمین پوشیده از سنگ و خاک، که بی‌آبباری دستی گیاهی در آن نمی‌روید، به هیجان آمده بودم.

«فردای آن روز به رامسر رفتم. همانکه هوایما از فراز البرز گذشت، منظره پایین یکسره تغییر کرد. کوههای سرسبز و زمین‌های زمردین و دریای خزر همچون دنیایی دیگر به چشم آمد. در رامسر از خانه کشاورزی دیدن کردم. بام گیاه‌پوش (ساخته از ساقه‌های برنج) آن خانه‌های روستایی ژاپن را به یادم آورد. گفتند که زندگی این کشاورز بالای متوسط است، گاوهای بسیار دارد و در خانه‌اش مانند ژاپنی‌ها روی زمین می‌نشیند و زمستان‌ها (مانند ژاپنی‌ها) کرسی می‌گذارد.

«بار دیگر از فراز البرز گذشتم. شمال این کوه از جنگل سبز پوشیده و بالایش ابرهای سفید شناور است و رنگین کمان هم پیدا است. به این سو که بیاییم، گرما موج می‌زند. اینجا مبارزه بی‌امان میان انسان و آب و درخت و گیاه در میان است. به موهبت شبکه آبرسانی، درختها سرسبز و کاشت و برداشت هم ممکن می‌شود. پس دیدم که اینجا بیابان نیست، و جلگه است.»

انجمن خاورشناسی ژاپن در سال ۱۹۸۵ هفتاد سالگی شاهزاده میکاسا را جشن گرفت، و سپس در مراسمی پر شکوه در سال ۱۹۹۲ هفتاد و هفت سالگی او را، به رسم ژاپنی، در هشتاد و هشت سالگی جشنی دیگر خواهد بود. عمر با عزت و سعادت این شاهزاده دانشمند دراز باد و سایه‌اش بر سر انجمن خاورشناسی ژاپن دیرپای.